

# سیاست‌های امنیتی و دفاعی آلمان چرخش راهبردی

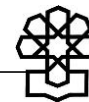
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۷۲۷۳  
آذرماه ۱۳۹۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	خلاصه مدیریتی .....
۳	مقدمه .....
۵	۱. «سیاست‌های امنیتی و دفاعی مشترک» تا ایده «ارتش اروپایی» .....
۹	۲. بودجه نظامی و تعداد سربازان .....
۱۲	۳. عملیات برون‌مرزی بوندس‌ور .....
۱۶	۴. وایت پیپر ۲۰۱۶ و «مسئولیت بیشتر» .....
۱۹	۵. سیاست‌های امنیتی در سایه روابط فرآتلانتیک در دوران ترامپ .....
۲۰	۵-۱. خلیج‌فارس نمونه‌ای برای استقلال عمل در سیاست‌های دفاعی و امنیتی .....
۲۱	۵-۲. سیاست‌های دفاعی و امنیتی اروپا در قالب اتحاد چندجانبه‌گرایان .....
۲۲	۶. برخی تحولات روز در امور دفاعی و امنیتی آلمان .....
۲۲	۶-۱. پهبادهای مسلح .....
۲۳	۶-۲. مشارکت هسته‌ای آلمان .....
۲۵	۶-۳. چتر حمایتی هسته‌ای اروپایی .....
۲۷	۶-۴. خروج نیروهای آمریکایی از آلمان .....
۲۹	۶-۵. رامشتاین/سردار سلیمانی .....
۲۹	۷. تولید و فروش تسلیحات .....
۳۲	جمع‌بندی .....
۳۴	پیشنهاد‌های اجرایی .....
۳۶	منابع و مأخذ .....



## سیاست‌های امنیتی و دفاعی آلمان چرخش راهبردی

### خلاصه مدیریتی

- پس از دو جنگ جهانی که آلمان هنوز مسئولیت اخلاقی، سیاسی و نظامی آن را بدوش می‌کشد، در «توافق پُستدام» در آگوست ۱۹۴۵ این جمله نگاشته شد که «نظامی‌گری و نازیسم آلمانی ریشه‌کن می‌شود». با وجود این، جملاتی نظیر «خدمت در جهت تأمین صلح در جهان» در مقدمه قانون اساسی آلمان زمینه برای تفسیری نظامی از تأمین صلح و امنیت و مقدمات رشد دوباره ارتش و رویکردهای دفاعی و امنیتی در سیاست خارجی این کشور را فراهم آورده‌اند. گرچه پرداختن به مسائل نظامی و دفاعی در آلمان پس از جنگ سرد به صورت مستمر موضوعی حاشیه‌ای محسوب می‌شد و تنها رونق اقتصادی در اولویت سیاست‌های کلان این کشور قرار داشت، مجموعه‌ای از تحولات از سال ۲۰۱۴ به بعد، آلمان را به نحوی از لاک «احتیاط» سنتی خود نسبت به امور نظامی و دفاعی خارج و به سوی تجهیز و مدرن‌سازی ارتش و مشارکت بیشتر در تحولات امنیتی اروپا و جهان سوق داده‌است.
- جمهوری فدرال آلمان به عنوان یک قدرت ژئواکونومیک در صدد تعریف نقش‌های جدید برای خود در سطح مناطق مختلف جهان به خصوص مناطق راهبردی آسیای مرکزی، قفقاز و همچنین غرب آسیا (خاورمیانه) است. عضویت غیردائم این کشور در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ میلادی انگیزه و مشوقی قوی‌تر برای این امر به شمار می‌آید.
- لازمه این امر، تقویت بنیه نظامی و دفاعی در راستای گفتمان «مسئولیت بیشتر» است. از میان شرایط آلمان برای آغاز دورانی جدید از سیاست‌های امنیتی و دفاعی سه ویژگی اهمیت ویژه دارند: اولاً، با توجه به تجربه تلخ دو جنگ جهانی و نقش مستقیم آلمان در فجایع و جنایات‌های به بار آمده در این جنگ‌ها، رویکردهای نظامی در آلمان نزد افکار عمومی، قدرت‌های اروپایی و جهانی و حتی درون جامعه آلمان همواره با حساسیت خاصی نظاره می‌شود، البته نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که این حساسیت در جامعه آلمان و نزد سیاستمداران این کشور بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. ثانیاً، آلمان پیروی از سیاست‌های مشارکت بیشتر در امور امنیتی - نظامی جهان را در قالب مشارکت‌های نظامی در ائتلاف‌ها و اتحادهای مختلف تعریف می‌کند. ثالثاً، با توجه به سیستم پارلمانی و ویژگی خاص آلمان مبنی بر نیاز به مصوبه مجلس برای هرگونه مشارکت نظامی مسلح در عملیات‌های برون‌مرزی، چگونگی برخورد با

این مسئله همواره بستگی زیادی به جریانات سیاسی حاکم بر این کشور داشته است. با وجود این روند تحولات سال‌های گذشته نشان می‌دهد که میان همه احزاب آلمان، کم‌وبیش مسائل امنیتی و دفاعی از رونق دوچندانی برخوردار شده‌اند.

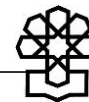
• برنامه فزاینده نظامی آلمان در راستای سیاست‌های مشترک دفاعی و امنیتی اروپا صورت می‌گیرد. مجموعه‌ای از عوامل و اتفاقات از سال ۲۰۱۶ روند رو به رشد تقویت سیاست‌های امنیتی و دفاعی اروپا و آلمان را رقم زده است. تنش‌ها میان اروپا و روسیه، برگزیت و تبعات امنیتی و دفاعی آن برای اروپا به‌ویژه آلمان و فرانسه، روی کار آمدن امانوئل ماکرون با برنامه‌های استقلال طلبانه و نهایتاً به قدرت رسیدن ترامپ با سیاست‌های مبتنی بر شعار «اول آمریکا»، از جمله این عوامل به‌شمار می‌روند. اختلاف‌ها با آمریکا در سال‌های اخیر محدود به تنش‌های تجاری نبوده و آلمان در حوزه امنیتی نیز به این جمع‌بندی رسیده است که برای تأمین منافع و امنیت خود باید به سمت تصمیم‌گیری مستقل از آمریکا حرکت کند. ایده و پیشرفت ایجاد «ارتش اروپایی» نیز به همین دلیل رونقی دوچندان یافته است.

• نگاه آلمان به مقوله «امنیت» و چگونگی حفظ آن دچار تغییرات بسیاری شده است: اولاً موضوع امنیت از هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آلمان، اکنون مستقیماً متوجه خود آلمان شده است و ثانیاً تکیه صرف بر قدرت آمریکا و تضمین تأمین امنیت اروپا توسط این کشور رنگ باخته است.

• حضور نزدیک به ۲۸۰۰ نیروی آلمانی در بیش از ۱۴ مأموریت برون‌مرزی خود گواه نگاه جدید آلمان و تقویت رویکردهای دفاعی - نظامی این کشور در سال‌های اخیر است. تقویت بنیه نظامی آلمان نیز به‌گونه‌ای است که آلمان در سال ۲۰۱۹ بیشترین میزان افزایش درصدی بودجه نظامی را میان ۱۵ کشور اول جهان داشته است. این بودجه در سال ۲۰۲۰ با افزایش ۴/۶ درصدی به رقم ۴۵/۲ میلیارد یورو رسیده است.

• اگر بتوانیم از این رویکرد جدید به‌عنوان یک «چرخش راهبردی» یاد کنیم، این نگاه مؤید و تقویت‌کننده سیاست‌های دوگانه آلمان خواهد بود. چراکه آلمان همواره بر طبل حل و فصل مسالمت‌آمیز و غیرنظامی اختلاف‌ها کوبیده است؛ مسئله‌ای که با افزایش صادرات تسلیحات این کشور در سال‌های اخیر نیز همخوانی ندارد.

• مجلس شورای اسلامی و به‌خصوص کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌توانند در راستای تقویت دیپلماسی پارلمانی با ایجاد کارگروهی مشخص موضوع‌های امنیتی و دفاعی مربوط به کشور آلمان را مورد بحث و بررسی دقیق‌تری قرار داده و راه را برای گفتگوی احتمالی مناسب در این زمینه با مجلس آلمان هموار کنند.



گفتگو درخصوص سیاست‌های دفاعی و امنیتی آلمان در داخل و در صحنه بین‌الملل همواره با حساسیت‌هایی مبتنی بر حافظه تاریخی درخصوص جنایت‌های جنگی در دو جنگ جهانی اول و دوم و دوران ناسیونال سوسیالیست آلمان همراه است. این مسئله خود به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی گفتمان سیاست‌های دفاعی و نظامی آلمان دلیلی برای رونق سیاست‌های غیرنظامی، توسعه‌ای و تمرکز محض آلمان بر اقتصاد در دهه‌های گذشته بوده است. از این‌رو سیاست‌های موسوم به «احتیاط» آلمان در امور نظامی تحت تأثیر فشارهای خارجی و داخلی تاکنون از خصیصه‌های بارز نگاه آلمان به تحولات بین‌الملل و نقش این کشور در سیاست بین‌الملل بوده است. اما نگاهی دقیق به تحولات آلمان در حوزه سیاست‌های دفاعی و امنیتی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، نشان می‌دهد این ویژگی روزبه‌روز در اذهان عمومی و رفتار دولتی در حال رنگ باختن است.

از دیگر ویژگی‌های مهم سیاست‌های دفاعی و امنیتی آلمان، نقش پررنگ پارلمان آلمان (بوندستاگ) در این امور است. به عبارتی، «ارتش آلمان یک ارتش پارلمانی است. عملیات آن نه‌تنها طبق حقوق بین‌الملل و قانون اساسی بلکه طبق تصمیم پارلمان انجام می‌شود». بنابراین اعزام نیرو یا مشارکت در یک عملیات نظامی همواره منوط به دریافت یک «مأموریت»<sup>۱</sup> از سوی بوندستاگ است. این مسئله خود گویای این واقعیت است که موضوعات مربوط به اعزام نیرو، مشارکت در عملیات‌های نظامی، تمدید مأموریت‌ها یا تنظیم و تصویب سیاست‌ها و سند‌های جدید نظامی و دفاعی همواره موضوعی چالشی در سیاست داخلی، بهانه‌ای برای دعوای حزبی و دلیلی بر لابی‌های تسلیحاتی است. از سوی دیگر، این موضوع خود عاملی برای کند شدن روند همکاری آلمان و فرانسه است، چراکه این دو کشور در این خصوص دارای ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری متفاوتی هستند.

دو ویژگی یاد شده را می‌توان به‌عنوان دلایلی مطرح کرد که چرا آلمان تاکنون به‌عنوان یک قدرت نظامی برتر مطرح نبوده و حضور این کشور همواره با «احتیاط»، در چارچوب «امنیت دسته‌جمعی» و در قالب اتحادها و ائتلاف‌های «بین‌المللی» و اروپایی همچون «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) بوده است. اما مهم‌ترین چارچوب برای رفتار نظامی و دفاعی آلمان «سیاست مشترک دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا» است. به عبارتی، بررسی رویکرد دفاعی آلمان بدون فهم و درک سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا و تحولات و روندهای مربوط به آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین در بخش اول این گزارش روند شکل‌گیری سیاست‌های مشترک دفاعی و مسائل روز همچون ایجاد «ارتش اروپایی» مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

اما آنچه در سال‌های اخیر بیش از هر چیز محوری برای تقویت بنیه نظامی و حضور بیشتر آلمان در تحولات قرار گرفته است، موضوعی تحت عنوان «مسئولیت بیشتر»<sup>۱</sup> است. رئیس‌جمهور سابق آلمان، یواخیم‌گوک<sup>۲</sup>، در سخنرانی خود در «کنفرانس امنیتی مونیخ» در سال ۲۰۱۴ موضوع «مسئولیت بیشتر» را مطرح و خواهان مسئولیت‌پذیری بیشتر آلمان در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی شد. اکنون در راستای گفتمان «مسئولیت بیشتر»، *آنه‌گرت کرامپ کارن باور*، وزیر دفاع آلمان، ۶ سال بعد، در همین کنفرانس در فوریه ۲۰۲۰ خواهان آن شد که «اجماع مونیخ در مقام سخن» باید به «اجماع مونیخ در عمل» تبدیل شود و اروپا و آلمان از فضای «صرف تشریح ضعف» خارج و در عمل وارد میدان شود. لذا، «مسئولیت بیشتر» در کنار مجموعه‌ای از تحولات همچون نفوذ روسیه در شرق اروپا، مهاجران و گفتمان استقلال در سیاست‌های دفاعی و امنیتی اروپا ازسویی دلیلی برای به‌روزرسانی این سیاست‌ها در قالب «وایت پیپر ۲۰۱۶» آلمان شد و ازسوی دیگر محتوای این سند را تحت تأثیر خود قرار داد. تحولات مربوط به نفوذ روسیه در شرق اروپا به‌ویژه اوکراین و جزیره کریمه و سپس چالش‌های به‌وجود آمده بر سر راه تکیه بر تأمین امنیت ازسوی ناتو و ایالات متحده آمریکا به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، باعث تقویت تلاش برای ایجاد هویتی اروپایی در زمینه دفاعی و امنیتی شده‌اند. از این رو آلمان در راستای سیاست‌های «مسئولیت بیشتر» به همراه شرکای اروپایی به‌ویژه فرانسه به ابتکارات جدیدی به‌منظور هماهنگی و ادغام بیشتر ظرفیت‌های نظامی و دفاعی داخلی اروپا به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ دست‌زد. سازوکارهایی نظیر «همکاری سازمان‌یافته مستمر» (پسکو) که پیرو سیاست‌های مندرج در «پیمان لیسبون ۲۰۰۹» به‌منظور همکاری‌های شبکه‌ای ارتش‌های ملی عضو اتحادیه اروپا شکل گرفته‌اند و یا ایجاد «صندوق مشترک دفاعی» و تعهد کشورها به ارائه گزارش اهداف و عملکرد در حوزه دفاعی و امنیتی، ستون‌های اصلی «اتحادیه دفاعی و امنیتی اروپا» را شکل می‌دهند.

نکته حائز اهمیت اینکه تلاش و ابتکار عمل آلمان در خصوص ایجاد وحدت‌رویه در زمینه نظامی - دفاعی از فرانسه قبل از امانوئل ماکرون نیز بیشتر بوده است؛ اما با به قدرت رسیدن ماکرون و رویکردهای درون‌گرا و استقلال طلب او در زمینه تأمین امنیت، ایده‌هایی چون «ارتش اروپا» رونق ویژه‌ای یافت و گفتگوهای ویژه میان دو کشور آلمان و فرانسه با محوریت سیاست‌های دفاعی و امنیتی مشترک وارد مرحله تازه‌ای شد. «چتر حمایتی هسته‌ای اروپا/فرانسه» مهم‌ترین بخش از «گفتگوی راهبردی» پیشنهادی فرانسه به آلمان است، درست در زمانی که موضوع «مشارکت هسته‌ای» آلمان در چارچوب روابط فراتلانتیک، دعوای حزبی آلمان را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

روی کار آمدن امانوئل ماکرون در فرانسه با اهداف جاه‌طلبانه و استقلال طلبانه در خصوص سیاست خارجی و امنیتی اروپا مبنی بر اثبات خود به‌عنوان یک قدرت سیاسی و امنیتی و مدتی بعد سیاست‌های

1. Mehr Verantwortung

2. Joachim Gauck



آمریکامحور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ، به روند شکل‌گیری و تقویت گفتمان استقلال دفاعی و امنیتی اروپا سرعتی دوچندان بخشیدند. لذا، توضیح درخصوص «وایت پیپر ۲۰۱۶» و «مسئولیت بیشتر» بخش مجزایی از گزارش پیش‌رو را به خود اختصاص می‌دهند. علاوه بر این، روند افزایشی بودجه نظامی آلمان به‌ویژه در راستای رسیدن به هدف «دو درصد از تولید ناخالص داخلی» و پراکندگی مشارکت آلمان در عملیات نظامی در کشورها و مناطق مختلف درگیر بحران، مؤید رویکرد جدید آلمان در راستای «مسئولیت بیشتر» است که در این گزارش به آنها نیز پرداخته می‌شود.

آنچه امروز بیش از هرچیزی فضای سیاست داخلی و خارجی روز آلمان در حوزه دفاعی و امنیتی را تحت‌الشعاع قرار داده است، مسائلی چون «مشارکت هسته‌ای»، «چتر حمایتی هسته‌ای اروپایی»، پایگاه‌ها و بمب‌های هسته‌ای آمریکایی در خاک آلمان و اعلام خروج بخشی از نیروهای آمریکا در پاییز ۲۰۲۰ از این کشور است. نقش «پایگاه رامشتاین» آلمان در هدایت و کنترل عملیات تروریستی آمریکا علیه سپهبد سلیمانی نیز از موضوعات مهم روز در محافل سیاسی و رسانه‌ای است که این گزارش به اختصار به آنها اشاره می‌کند.

ریاست دوره‌ای آلمان بر شورای اتحادیه اروپا در نیمه دوم ۲۰۲۰ و همچنین حضور آلمان در شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان عضو غیردائم، نقش این کشور را در گفتمان ایجاد شده درخصوص استقلال سیاسی و دفاعی اروپا پررنگ‌تر کرده است. با این وجود، سیاست‌های دوگانه این کشور در این زمینه یکی از چالش‌های اصلی نقش‌آفرینی آلمان خواهد بود. سیاست‌های صادرات تسلیحات آلمان و رویکردهای تقویت بنیه نظامی این کشور به‌عنوان مثال به‌ترتیب در تناقض با پیگیری شعار خلع و کنترل تسلیحات و کوبیدن بر طبل تأمین امنیت از طریق رویکردهای غیرنظامی هستند. بنابراین، نگاهی اجمالی به برخی آمار و ارقام درخصوص صادرات تسلیحات آلمان بخش دیگری از این گزارش را به خود اختصاص داده است.

### ۱. «سیاست‌های امنیتی و دفاعی مشترک»<sup>۱</sup> تا ایده «ارتش اروپایی»

ایجاد نهاد «سیاست دفاعی و امنیتی مشترک» اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های «سیاست خارجی و امنیتی مشترک»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ کلید خورد. با توافق بر سر «بیانیه سن-مالو»<sup>۲</sup> که در دسامبر ۱۹۹۸ به امضای سران وقت انگلستان و فرانسه، ژاک شیراک و تونی بلر، به‌منظور ایجاد یک نیروی نظامی واحد اروپایی رسیده بود، سنگ بنای گفتگوها میان کشورهای عضو اتحادیه اروپایی برای تشکیل نهاد «سیاست امنیتی و دفاعی مشترک» گذاشته شد و در نشست سران در ژوئن ۱۹۹۹ در شهر کلن در دوره ریاست دوره‌ای آلمان بر شورای اتحادیه اروپا اولین ستون‌های این نهاد را کشورهای عضو

1. Gemeinsamen Außen- und Sicherheitspolitik der Union (GASP)

2. Saint-Malo declaration

بنا نهادند. سپس اقدام‌هایی نظیر ایجاد «کمیته امنیتی و دفاعی»<sup>۱</sup>، تشکیل کمیسیون دفاعی در پارلمان اروپا و همچنین ایجاد «ستاد نظامی» این پایه‌ها را تقویت و تثبیت کرد. مشارکت اتحادیه اروپا در «عملیات صلح کنکوردیا»<sup>۲</sup> در مقدونیه در قالب عملیات «کونکوردیا» اولین عملیات برون‌مرزی واحد اتحادیه اروپا بود (Kourtakos, 2013).

تصویب «استراتژی جهانی سیاست خارجی و امنیتی»<sup>۳</sup> در ژوئن ۲۰۱۶، تنها چند هفته پس از همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه، ادغام بیشتر ظرفیت‌های ملی کشورهای عضو با یکدیگر و ایجاد یک نهاد جدید دفاعی واحد مرحله جدیدی شد که در آن افزایش «تاب‌آوری» و قابلیت دفاعی در اولویت‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفت. در واقع این استراتژی به سیاست‌های مشترک امنیتی و دفاعی «چارچوبی دستوری» بخشید. این سند غیرالزام‌آور جایگزین «استراتژی امنیتی اروپا» مربوط به ۲۰۰۳ شد. یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مطروحه در خصوص «تب‌آوری» دفاعی و نظامی مربوط به رابطه «سیاست‌های مشترک» با «ناتو» است.

راه‌اندازی «همکاری سازمان‌یافته مستمر»<sup>۴</sup> (پسکو) در ۲۰۱۷ بر مبنای «پیمان لیسبون ۲۰۰۹» گام بزرگی در پیشبرد فرایند «ادغام اتحادیه اروپایی» در خصوص مسائل نظامی و دفاعی تلقی می‌شود (Algieri, 2020). ۲۵ عضو اتحادیه اروپا مجموعاً به اجرای ۲۰ تعهد در خصوص سیاست‌های دفاعی مبادرت ورزیدند که یکی از آنها افزایش مستمر سالیانه بودجه دفاعی کشورهای عضو است. تاکنون ۳۴ پروژه مشخص در قالب برنامه «پسکو» عملیاتی شده است که ۶ پروژه از آن را آلمان هدایت و رهبری می‌کند. «فرماندهی پزشکی اروپایی»<sup>۵</sup> و «پروژه راه‌اندازی و استفاده از پهباد اروپایی» برای رونمایی در سال ۲۰۲۵، دو نمونه از پروژه‌های تحت رهبری آلمان هستند.

توسعه ابعاد غیرنظامی سیاست‌های مشترک با تصویب «بسته غیرنظامی سیاست امنیتی دفاعی مشترک»<sup>۶</sup> در نوامبر ۲۰۱۸ مورد تأکید ویژه قرار گرفت. طبق این سند کشورهای عضو سعی در تقویت و بهبود قابلیت‌های غیرنظامی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۳ را دارند. آلمان برای پیگیری و اجرای این پیمان برنامه اجرایی ملی تنظیم کرده است. در همین راستا به‌عنوان مثال به ابتکار آلمان «مرکز صلاحیت‌های اروپایی برای مدیریت بحران غیرنظامی» در برلین در سپتامبر ۲۰۲۰ و در دوره ریاست آلمان بر «شورای اتحادیه اروپا» افتتاح می‌شود (Auswärtiges Amt, 2020). این مرکز جدید در واقع بازوی اجرایی «سرویس اقدامات خارجی اتحادیه اروپا»<sup>۷</sup> در خصوص مدیریت بحران غیرنظامی و

---

1. Political and Security Committee (PSC)  
 2. EUFOR Concordia  
 3. Die Globale Strategie für die Außen- und Sicherheitspolitik der EU  
 4. Permanent Structured Cooperation (PESCO)  
 5. European Medical Command  
 6. Civilian CSDP Compact  
 7. European External Action Service, EEAS



هماهنگ‌کننده اقدامات کشورهای عضو و همچنین انجام پروژه‌های علمی و پژوهشی در این خصوص خواهد بود. این مرکز به‌صورت یک انجمن در آلمان ثبت و از منابع مالی دولتی آلمان تأمین مالی خواهد شد و عضویت در آن برای اعضای اتحادیه اروپا امکان‌پذیر می‌شود. در سطح ملی این مرکز مکملی برای «مرکز عملیات‌های صلح بین‌المللی»<sup>۱</sup> خواهد بود که در سال ۲۰۰۲ توسط دولت و پارلمان آلمان (بوندستاگ) و به‌منظور تربیت و آموزش نیروها و متخصصان برای عملیات صلح در سطح بین‌الملل تأسیس شده است.

تأسیس «صندوق دفاعی اتحادیه اروپا»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۷ برای تأمین مشترک بودجه برای تحقیق و توسعه در صنایع دفاعی گام مهم دیگری در راستای تقویت ادغام ظرفیت‌های دفاعی و نظامی کشورهای عضو بود. ایجاد انگیزه و تأمین مالی همکاری در تحقیق و توسعه تسلیحات و تکنولوژی نظامی و همچنین تلاش برای هماهنگ کردن تولیدات تسلیحاتی اروپایی از اهداف اصلی ایجاد این صندوق است. طبق توافق انجام گرفته کمیسیون اروپایی شرکت‌های مربوطه را در فاصله زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ با مبلغی معادل ۹۰ میلیون یورو حمایت مالی کرده است. این برنامه حمایت مالی از سال ۲۰۲۰ در برنامه بودجه اتحادیه اروپا ردیف بودجه‌ای خاص را با سقف سالیانه ۵۰۰ میلیون یورو به خود اختصاص می‌دهد. تصویب طرحی در ژوئن ۲۰۱۷ برای ایجاد «مرکز مشترک فرماندهی اتحادیه اروپایی» برای هماهنگی عملیات کشورهای عضو در خارج از مرزهای اتحادیه به‌ویژه در کشورهای آفریقایی چون مالی و سومالی نطقه عطف دیگری در پیشبرد روند شکل‌گیری رویکرد واحد در سیاست‌های دفاعی و امنیتی اروپاست. «ارزیابی سازمان‌یافته سالیانه برنامه‌ریزی دفاعی»<sup>۳</sup> (کارد) یکی دیگر از سیاست‌های هماهنگی بیشتر میان سیاست‌ها و قابلیت‌های نظامی و دفاعی کشورهای عضو در سال ۲۰۱۷ بود. طبق این برنامه کشورهای عضو در گزارش‌های مبسوط درخصوص قابلیت‌ها و برنامه‌های دفاعی برای دیگر اعضا امکان افزایش همکاری را فراهم می‌آورند. همانند پروژه صندوق دفاعی یکی از اهداف اصلی پروژه «کارد» نیز هماهنگی در تولید و به‌کارگیری سلاح‌ها و هم‌افزایی در این حوزه دفاعی است.

از این رو می‌توان گفت، مجموعه اقدام‌های صورت گرفته در سال ۲۰۱۷ مربوط به سه برنامه اصلی «صندوق دفاعی اتحادیه اروپا»، «کارد» و «پسکو» سه ستون اصلی «اتحادیه دفاعی امنیتی اروپایی»<sup>۴</sup> گذاشته شد، طرحی که برای اولین بار در آوریل ۲۰۰۳ و میان وزرای خارجه کشورهای آلمان، فرانسه، لوکزامبورگ و بلژیک مطرح و مورد توافق قرار گرفت و در سال ۲۰۱۷ با استناد به «پیمان لیسبون» به تصویب ۲۵ عضو اتحادیه اروپا (همه کشورها به‌جز بریتانیا، مالت و دانمارک) رسید. دوتن از کارشناسان

1. Zentrum für Internationale Friedenseinsätze (ZIF)

2. European Defense Fund (EDF)

3. The Coordinated Annual Review on Defence (CARD)

4. Europäische Sicherheits- und Verteidigungsunion (ESVU)

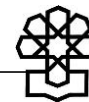
«بنیاد علم و سیاست»<sup>۱</sup> در آلمان مجموعه این تحولات در سال ۲۰۱۷ را در یادداشتی «انقلاب خاموش در سیاست‌های دفاعی اتحادیه اروپا» ارزیابی کردند (Lohmann & Major, 2017). به عبارت دیگر، سیاست دفاعی مشترک اروپایی که پایه‌های حقوقی آن در «پیمان لیسبون» بنا نهاده شده است، اکنون جان تازه‌ای گرفته است. با وجود آنکه سیاست‌های امنیتی و دفاعی مشترک ریشه در توافقات لندن و پاریس (اشاره به پیمان سن-مالو در ۱۹۹۸) دارد، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به عنوان خروج یکی از کشورهای بیگانه و بیگانه از تشکیل و تقویت سیاست‌های مشترک دفاعی ممانعت به عمل می‌آورد، بر سرعت این روند افزوده است.

از دیگر گام‌های تحکیم انسجام و یکپارچگی کشورهای اروپایی و در واقع تقویت هویت دفاعی اروپایی اقدام آلمان در ایجاد گروهی موسوم به «ابتکار چارچوب ملت‌ها»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۳ بود که در آن قابلیت‌های دفاعی کشورها - در ابتدا ۱۰ و اکنون ۲۱ کشور عضو - تجمیع و در اختیار همدیگر قرار می‌گیرند. این استراتژی نظامی از سوی آلمان در سال ۲۰۱۴ مورد موافقت ناتو قرار گرفت. سپس کشورهای دیگر نیز طبق این الگو گروه‌های ابتکارات مشابهی به خرج دادند. یکی از عایدده‌های این برنامه برای آلمان حفظ نفوذ این کشور در کشورهای بالتیک و شرق اروپاست. در حالی که این کشورها در حوزه‌های اقتصادی یا تأمین انرژی - به عنوان مثال در نمونه نورد استریم ۲ - دارای اختلاف نظر شدید با برلین هستند، سهم اجتناب‌ناپذیر آلمان در امور دفاعی این کشورها در قالب FNC روزه‌های نفوذ این کشور در دیگر حوزه‌های دیگر اقتصادی به نفع آلمان را باز می‌کند. یکی از اهداف آلمان گره زدن ایده FNC با پروژه «پسکو» است (Glatz & Zapfe, 2017). نباید از نظر دور داشت که آلمان همچنین یکی از مهره‌های نقش‌آفرین و کلیدی در «سازمان امنیت و همکاری اروپا»<sup>۳</sup> است. آلمان و فرانسه هر دو با دانش به این مطلب که قدرت نظامی بریتانیا را نمی‌توان نادیده گرفت، دست به ابتکاراتی نظیر ایجاد اتحاد «ابتکار هجوم اروپایی»<sup>۴</sup> با مشارکت بریتانیا زدند، مسئله‌ای که البته تاکنون بازخورد مثبت یا عایدده‌ای خاص نداشته است (Fischer, Hanke, & Riedel, 2019).

روی کار آمدن دونالد ترامپ با ارسال پیام تردید در تضمین‌ها و تعهدات آمریکا در تأمین امنیت اروپا همراه بود. سیاست‌های جاه‌طلبانه امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در مقابل ترامپ و در راستای وابستگی‌زدایی نیز روح تازه‌ای به سیاست‌های مشترک دفاعی امنیتی بخشیده است. به صورت کلی می‌توان گفت اروپایی کردن مسائل امنیتی و دفاعی از سال ۲۰۱۶ به بعد رونق جدیدی گرفت تا جایی که در سال‌های گذشته ایده ایجاد «ارتش اروپایی» به عنوان یک مرحله جدید استقلال راهبردی از شریک فرآتلانتیک در دستور کار کشورهای عضو به‌ویژه آلمان و فرانسه قرار گرفته است. این مسئله در لحن و کلام مقامات و سران اروپایی به خوبی نمود

---

1. Stiftung für Wissenschaft und Politik (SWP)  
 2. Framework Nations Concept – FNC  
 3. Organisation für Sicherheit und Zusammenarbeit in Europa (OSZE)  
 4. Europäische Interventionsinitiative



پیدا کرده است. در نظرسنجی یوروبارومتر در سال ۲۰۱۷، ۵۵ درصد شهروندان اروپایی نسبت به تشکیل یک «ارتش اروپایی» علاقه نشان دادند. این رقم در سال ۲۰۱۸ به ۶۸ درصد رسید.

البته از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی ایده‌هایی نظیر «ارتش اروپایی» علاوه بر نبود اجماع سیاسی بر سر مسئله حق حاکمیت ملی کشورها نقش متفاوت پارلمان‌های ملی در تصمیم‌گیری در مسائل مهم دفاعی و امنیتی است. در این خصوص آلمان و فرانسه دو نظام تصمیم‌گیری متفاوت دارند. با این حال، ایجاد پست «کمیسر دفاعی» در اتحادیه اروپا و بررسی ابعاد مختلف ایجاد یک ارتش اروپایی در دستور کار کشورهای مختلف به‌ویژه فرانسه و آلمان قرار گرفته است.

## ۲. بودجه نظامی و تعداد سربازان

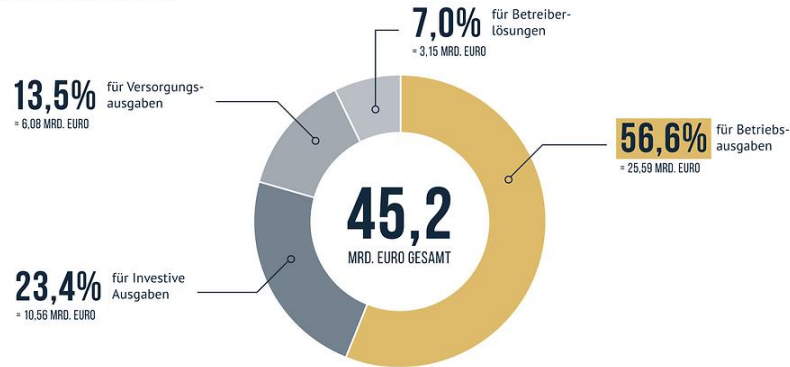
همزمان با رونق سیاست‌های دفاعی و نظامی مشترک اروپا بودجه دفاعی، در سال ۲۰۱۶ تعداد نیروهای ارتش آلمان نیز روندی صعودی گرفته است. «بودجه دفاعی» آلمان در سال ۲۰۲۰ معادل ۴۵,۲ میلیارد یورو است. این بودجه تحت عنوان «برنامه بخشی ۱۴»<sup>۱</sup> شامل چهار بخش اصلی «هزینه‌های جاری»<sup>۲</sup>، «قرارداد با مجریان طرح‌ها»<sup>۳</sup> (به‌عنوان مثال شرکت‌های مجری تولید یونیفرم، خدمات لجستیک و غیره) «هزینه‌های سرمایه‌ای»<sup>۴</sup> (به‌عنوان مثال شامل سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه سلاح و ادوات نظامی) و نهایتاً «هزینه‌های تأمین»<sup>۵</sup> (به‌ویژه خدمات به بازنشستگان و مجروحان جنگی و بازماندگان آنها). در شکل ۱ میزان هزینه‌های بودجه دفاعی آلمان در سال ۲۰۲۰ در چهار بخش یادشده نمایش داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین میزان هزینه‌ها (۵۶/۶ درصد) مربوط به «هزینه‌های جاری» و «هزینه‌های سرمایه‌ای» که شامل تحقیق و توسعه تسلیحات است نیز بیش از ۲۳ درصد این هزینه‌ها را شکل می‌دهند.

1. Einzelplan 14
2. Betriebsausgaben
3. Betreiberverträge
4. Investive Ausgaben
5. Versorgungsausgaben

شکل ۱. درصد هزینه‌های چهار حوزه اصلی در بودجه دفاعی آلمان در سال ۲۰۲۰

**VERTEIDIGUNGSHAUSHALT 2020**

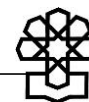
Inklusive Nachtragshaushalt 2020



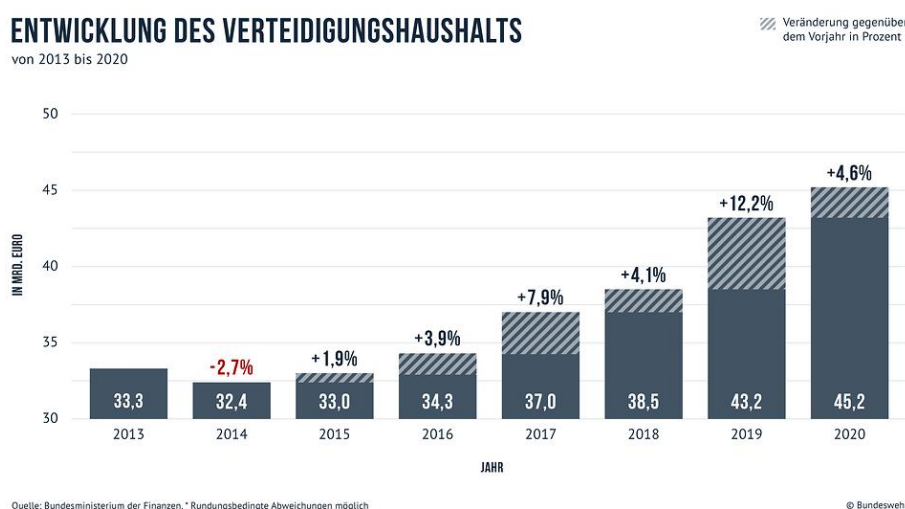
Quelle: Bundesministerium der Verteidigung. \* Rundungsbedingte Abweichungen möglich

© Bundeswehr

آلمان در سال ۲۰۱۹ بیشترین میزان افزایش درصدی بودجه نظامی را میان ۱۵ کشور اول جهان از نظر میزان بودجه داشته است. بودجه نظامی در سال ۲۰۱۹ با افزایش ۳/۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۸ معادل ۴۹,۳ میلیارد دلار بوده است (SIPRI, 2019). (آمریکا ۷۳۲ میلیارد دلار، ۳۸ درصد هزینه‌های نظامی جهان، چین ۲۶۱ میلیارد دلار، ۱۴ درصد هزینه‌های نظامی جهان، عربستان سعودی، ۶۱,۹ میلیارد دلار). یکی از دلایل این افزایش بودجه نظامی فشار آمریکا در هزینه حداقل ۲ درصد از درآمد ناخالص داخلی برای مصارف نظامی است. طبق تصمیمی در نشست سران ناتو در شهر ولز در سال ۲۰۱۴ کشورهای عضو این پیمان متعهد شدند که حداقل ۲ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را نهایتاً تا سال ۲۰۳۱ صرف تأمین هزینه‌های نظامی کنند (Mutschler, 2020). به عقیده برخی دیگر از کارشناسان یکی دیگر از دلایل افزایش هزینه‌های نظامی در آلمان این است که «روسیه بیش از گذشته به‌عنوان یک تهدید برآورد می‌شود» (Lopes da Silva, 2020). میزان هزینه‌های نظامی آلمان در سال ۲۰۱۹ معادل ۱/۳۸ درصد «تولید ناخالص ملی» بوده است (روسیه حدود ۴ درصد). ۶ کشور از ۱۵ کشور اول جهان در میزان هزینه‌های نظامی کشورهای عضو ناتو هستند، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، کانادا و بریتانیا که در مجموع حدود نیمی از هزینه‌های نظامی در جهان را دارند.



## شکل ۲. روند افزایش/کاهش بودجه دفاعی آلمان از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰



بودجه دفاعی آلمان در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است. افزایش ۱۲/۲ درصدی بودجه دفاعی در سال ۲۰۱۹ نسبت به ۲۰۱۸ بیشترین میزان افزایش در سال‌های اخیر بوده است. همان‌گونه که اشاره شد، بودجه دفاعی در سال ۲۰۲۰ با افزایش ۴/۶ درصدی به رقم ۴۵,۲ میلیارد یورو رسیده است (شکل ۲). این رقم ۹/۳۳ درصد از کل بودجه دولت آلمان را شکل می‌دهد. بدین ترتیب «بودجه دفاعی» در رتبه سوم مجموع ۲۳ «برنامه بخشی» بودجه‌ریزی دولت فدرال آلمان قرار دارد (وزارت کار و امور اجتماعی در رتبه اول با حدود ۱۵۷ میلیارد یورو و سهم ۳۲ درصدی از بودجه، وزارت امور خارجه آلمان در رتبه ۱۴ام با سهم ۱/۲۳ درصد نسبت به کل بودجه).

طبق ماده (۴۵) قانون اساسی آلمان ۶۰ سال پیش پستی تحت عنوان «مأمور امور دفاعی» در بوندستاگ (پارلمان آلمان) برای کنترل موضوعها و عملیات‌های بوندس ور ازسوی پارلمان و همچنین نظارت بر حقوق سربازان و غیره تشکیل شده است. هانس پیتر بارتلز<sup>۱</sup>، مأمور امور دفاعی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، در گزارش سالیانه خود تعداد سربازان آلمانی در عملیات‌های مختلف را ۱۷,۵۰۰ نفر اعلام می‌کند (Bartels, 2020). مأمور جدید دفاعی بوندستاگ از ماه مه ۲۰۲۰ خانم دکتر اوا هوگل<sup>۲</sup> است. مدت مأموریت این نیروها در عملیات‌های مختلف نظامی و آموزشی برون‌مرزی چهار تا شش ماه برای هر اعزام است. طبق این گزارش ارتش آلمان «بوندس ور»<sup>۳</sup> پایان ۲۰۱۹ تعداد ۱۷۵۳۳۰ (۵۳۹۶۵ نیروی دائم و ۱۲۱۳۶۵ نفر سرباز موقت) نیروی نظامی در اختیار داشته است، ۲۳۰۰ نفر بیشتر از تعداد سربازان در پایان ۲۰۱۸. به این رقم ۸۳۳۷ نفر سربازان داوطلب افزوده می‌شود. بنابراین تعداد نیروهای نظامی

1. Dr. Hans-Peter Bartels  
2. Dr. Eva Högl  
3. Bundeswehr

در خدمت ارتش آلمان مجموعاً ۱۸۳۶۶۷ نفر در پایان سال ۲۰۱۹ هستند. ابتدای سال ۲۰۲۰ تعداد ۷۲۰۰ نیروی جدید آماده به خدمت به ناتو معرفی شده‌اند.

تعداد نیروهای بوندس‌ور در پایان دهه ۸۰ میلادی ۴۹۵۰۰۰ سرباز فعال رسیده بود. پس از جنگ سرد روند کاهشی به صورت مستمر ادامه یافت. در «قرارداد دو جمع چهار»<sup>۱</sup> در ۱۹۹۰ که زمینه حقوقی وحدت دو آلمان را فراهم می‌آورد، سقف نیروهای نظامی ارتش آلمان ۳۷۰ هزار نفر تعیین گردید. طبق مصوبه بوندستاگ در سال ۲۰۱۰ برای ارتش آلمان سقف نیروی ۲۵۰ هزار نفر گذاشته شد، این رقم در سال ۲۰۱۱ و طبق مصوبه‌ای دیگر به ۱۸۵ هزار نفر تقلیل یافت. این روند کاهشی نیروها با کنار گذاشتن سربازی اجباری ادامه پیدا کرد تا در سال ۲۰۱۶ به پایین‌ترین حد خود یعنی ۱۶۶۵۰۰ نفر برسد. لذا، وزارت دفاع آلمان با اصلاح سیاست‌های خود از سال ۲۰۱۶ روند افزایشی نیروهای نظامی در ارتش این کشور را کلید زده است. در حال حاضر دولت فدرال و ارتش آلمان برنامه افزایش نیروهای نظامی تا ۲۰۳ (۱۸۶ هزار سرباز دائم و ثابت به‌علاوه سربازان موقت، ۱۲۵۰۰ سرباز داوطلب و ۴۵۰۰ نیروی ذخیره) هزار نفر تا سال ۲۰۲۵ را دارد. تعداد درخواست‌ها برای به خدمت ارتش درآمدن از زمان لغو خدمت سربازی اجباری تا سال ۲۰۱۹ روندی نزولی داشته است. البته در سال ۲۰۱۹ با ثبت ۵۳۱۰۰ درخواست افزایش نسبی نسبت به ۲۰۱۸ (۵۲۲۰۰) مشاهده می‌شود. از این تعداد ۲۰۱۷۲ نفر نیروی جدید به استخدام ارتش آلمان در سال ۲۰۱۹ درآمده‌اند.

### ۳. عملیات برون‌مرزی بوندس‌ور

«برای یک بوندس‌ور قوی در یک جهان در حال تغییر» عنوان اولین سخنرانی وزیر دفاع جدید آلمان، آنه گرت کرامپ کارن-باور<sup>۲</sup> (آ کا کا)، در بوندستاگ پس از انتخاب در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۹ است. وی در این سخنرانی که محورهای اصلی سیاست‌های دفاعی و نظامی آلمان گنجانده شده است اظهار می‌دارد: «سربازان ما روز به روز باید شاهد آن باشند که ضعف‌ها در تجهیزات و مواد برطرف می‌شوند. اینکه آنها بهترین دستگاه‌های ممکن، بهترین تسلیحات و بهترین تجهیزات شخصی نظامی را دریافت کنند. اینکه ما به اندازه کافی پرواز تمرینی، کشتی‌ها و تانک‌های آماده عملیات در اختیار داشته باشیم. اینکه انبار مهمات ما پر باشد».

از دهه ۹۰ میلادی ارتش آلمان به‌صورت مستمر در عملیات‌های نظامی خارج از مرزهای این کشور حضور داشته است. مشارکت در جنگ کزوو، بوسنی و افغانستان اولین عملیات‌های برون‌مرزی بودند. ارتش آلمان در بیش از ۱۵ مأموریت خارجی در قالب اعزام نیرو، تجهیزات و یا خدمات لجستیکی،

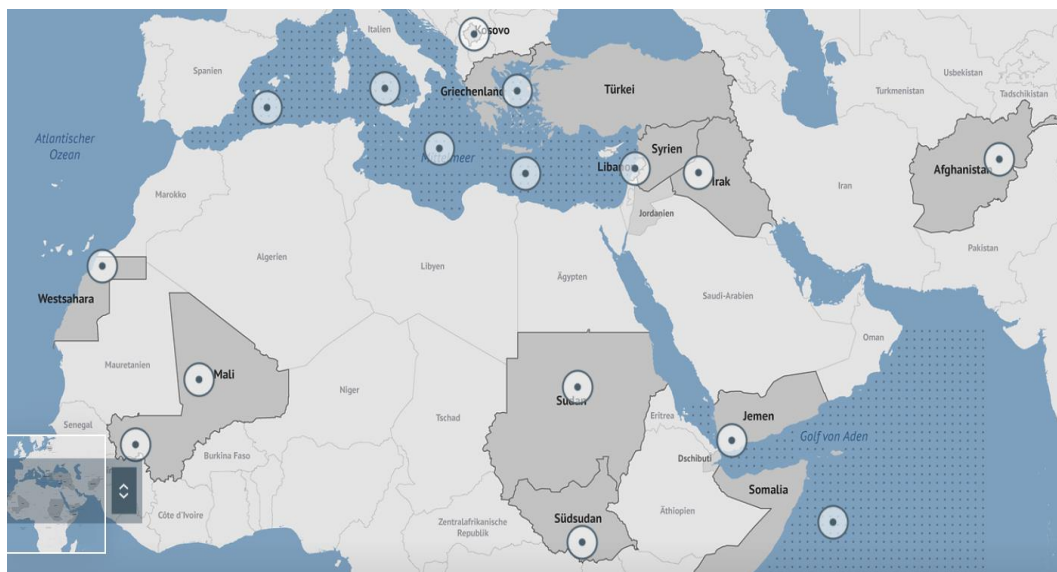
1. Zwei-plus-Vier-Vertrag

2. Annegret Kramp Karren-Bauer



نظارتی و مشاوره‌ای حضور دارد. همان‌گونه که اشاره شد، مشارکت آلمان در عملیات‌های برون‌مرزی نظامی در راستای سیاست‌های «امنیت جمعی» و با همراهی هم‌پیمانان در قالب مأموریت‌های ناتو و اتحادیه اروپا صورت می‌پذیرد. در شکل ۳ پراکندگی حضور نیروهای ارتش آلمان در عملیات‌های برون‌مرزی قابل مشاهده است.

شکل ۳. پراکندگی استقرار برون‌مرزی نیروهای آلمانی



مأخذ: سایت بوندس ور، ۱ ژوئن ۲۰۲۰.

همان‌گونه که در بخش مقدمه بدان اشاره شد، میزان مشارکت ارتش آلمان در عملیات‌های برون‌مرزی وابسته به نظر بوندستاگ و تابعی از چیدمان احزاب حاکم و شریک در دولت آلمان است. در آستانه گفتگوهای احزاب شریک در دولت ائتلافی موسوم به «دولت بزرگ» در آلمان، در خصوص عملکرد دو ساله این ائتلاف، یکی از مسائل چالشی و مورد اختلاف، بحث تمدید مدت مأموریت نیروهای ارتش آلمان در منطقه، به‌ویژه در عراق بود. حزب «سوسیال‌دمکرات»<sup>۱</sup> و همچنین احزاب اپوزیسیون به‌ویژه «سبزها»<sup>۲</sup> و «چپ‌ها»<sup>۳</sup> در بوندستاگ که متمایل به چپ هستند، همواره نظراتی متفاوت از حزب محافظه‌کار و راست‌میانه یونیون (دمکرات مسیحی‌ها و سوسیال مسیحی‌های بایرن)<sup>۴</sup> دارند. مأموریت نیروهای آلمانی که براساس قانونی از سوی بوندستاگ در جریان است، تا پایان ماه اکتبر ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد. وزیر دفاع آلمان، آنه‌گرت کرامپ کارن - باور، که هنوز رئیس حزب دمکرات مسیحی و تا چندی پیش نامزد پست صدراعظمی بود، در اولین سفر خارجی خود پس از انتصاب به سمت وزیر دفاع، سفری

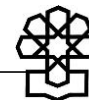
1. SPD
2. Grünen
3. Linke
4. Union (CDU/CSU)

به بغداد و اردن داشت. آکا، در مصاحبه‌ای با رادیو آلمان<sup>۱</sup> اعلام کرد که سفر اخیر او به این منطقه آگاهانه و با توجه به موعد تمدید این مأموریت بوده است (Kramp-Karrenbauer, 2019). در متن این مصوبه آمده است که تمدید آن برای آخرین بار تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۹ امکان‌پذیر است و به نظر او اکنون یک مأموریت جدید باید تصویب شود.

در جدول ۱ برخی از عملیات نظامی سازمان ملل یا اتحادیه اروپا و نقش آلمان در آنها قابل مشاهده است.

### جدول ۱. مشارکت ارتش آلمان در برخی عملیات‌های برون مرزی

نام عملیات/کشور	مبنای حقوقی، آمار و نقش آلمان
کزووو KFOR	طبق قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت از سال ۱۹۹۹ آغاز و آخرین بار در ژوئیه ۲۰۱۹ تمدید شده است. حضور آلمان در قالب عملیات سازمان ملل با ۴۰۰ سرباز برای تأمین امنیت عمومی و آموزش صورت می‌پذیرد.
افغانستان Resolute Support	پس از اتمام عملیات ISAF در قالب مشارکت در عملیات سازمان ملل، طبق مصوبه ۱۳ مارس ۲۰۲۰ بوندستاگ حدود ۱۳۰۰ سرباز آلمانی در افغانستان حضور دارند. ۱۰۰۰ سرباز در مزارشریف و ۱۵۰ سرباز نیز در کابل، قندوز، باگرام و میمنه حضور دارند. آموزش، عملیات جاسوسی پهبادی، فرماندهی، خدمات لجستیکی و اطلاعات مخفی نظامی از جمله اقدام‌ها و وظایف نیروهای آلمانی است.
شاخ آفریقا Anti-Piraterie-Mission	نیروهای آلمانی از سال ۲۰۰۸ در قالب مأموریت اتحادیه اروپا پروازهای جاسوسی و کنترل هواپیماهای P-3C Orion دزدان دریایی در جنوب دریای سرخ، آب‌های ساحلی سومالی و خلیج عدن و بخشی از اقیانوس هند را عهده‌دار هستند. اعزام شناورهای جنگی، ناوچه سبک، هواپیماهای شناسایی در دریا مدل P-3C Orion بخش دیگری از مشارکت آلمان است.
مالی و نیجر MINUSMA TUTM GAZELLE	از سال ۲۰۱۳ و به درخواست دولت مالی و بر اساس مصوبه شورای اروپایی و همچنین قطعنامه های شورای امنیت از جمله ۲۰۷۱ (۲۰۱۲) و ۲۴۸۰ (۲۰۱۹) <sup>۲</sup> و طبق مصوبه بوندستاگ در می ۲۰۲۰، حدود ۱۵۵۰ سرباز آلمانی (در حال حاضر بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ سرباز) در این منطقه حضور خواهند یافت. تثبیت منطقه ساحل و امنیت و ثبات در منطقه و آموزش پیش‌قراولان نظامی، پیاده نظام و خدمات لجستیکی بخشی از وظایف آلمانی هاست. بخشی از نیروهای آلمان برای عملیات MINUSMA در مالی در شهر Niamey پایتخت نیجر مستقر هستند.
سودان UNAMID	در چارچوب عملیات سازمان ملل و برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ طبق مصوبه بوندستاگ اعزام نیروهای آلمانی محقق شد. تا سقف ۸۰ نفر به‌ویژه ناظران نظامی آلمانی در منطقه دارفور مستقر هستند.
سودان جنوبی UNMIS	حضور حدود ۵۰ نیروی آلمانی در قالب نیروهای نظارت و مشاوره در عملیات صلح سازمان ملل از سال ۲۰۰۵ برای حمایت از روند صلح با تأکید بر کمک‌های بشردوستانه و حمایت از حقوق بشر صورت می‌پذیرد.
مدیترانه مرکزی (لیبی) EUNAVFOR Iriini MED	از ۷ مه ۲۰۲۰ تا سقف ۳۰۰ سرباز آلمانی (تمدید تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۱) برای برقراری تحریم ارسال سلاح به لیبی، جلوگیری از قاچاق سلاح و صادرات غیرقانونی نفت و فرآورده‌های نفتی از لیبی در این منطقه حضور دارند. آموزش گارد ساحلی لیبی و تأمین خدمات



نام عملیات/کشور	مبنای حقوقی، آمار و نقش آلمان
	ماهواره‌ای، اعزام کشتی و هواپیما از دیگر خدمات ارتش آلمان است. نیروهای آلمانی در «ناو سرفرماندهی» حضوری فعال دارند و در این عملیات از هواپیماهای شناسایی در دریا مدل P-3C Orion استفاده می‌کنند. آلمان همچنین در مرکز فرماندهی این عملیات در شهر رم ایتالیا نقشی فعال دارد. آلمان با برگزاری «کنفرانس لیبی» در برلین سعی در تقویت جایگاه سیاسی خود در تحولات این کشور دارد.
صحرای غربی MINURSO	در قالب عملیات سازمان ملل از سال ۲۰۱۳ تا سقف ۶ نفر نیروی غیرمسلح آلمانی در سمت ناظران نظامی برای مشاوره و پیشبرد برنامه‌های رفرااندوم در خصوص وضعیت این منطقه و همچنین برقراری و حفظ آتش‌بس فعال هستند.
یمن UNMHA	از سال ۲۰۱۹ حضور مأموران غیرمسلح آلمانی بدون نیاز به مصوبه بوندستاگ مجموعاً ۱۱ نفر نظامی ناظر و همچنین پلیس حفظ و اجرای قرارداد حدیده، هماهنگی و توزیع کمک‌های بشردوستانه به یمن (۱۲۰ میلیون یورو سهم آلمان) و همچنین مشارکت در برگزاری نشست «Yemen Peace Support Facility» در ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۹، در برلین برای تسریع توافقات روند صلح یمن در استکهلم از دیگر اقدام‌های آلمان در تحولات یمن است.
لبنان UNIFIL	کنترل و گشت‌زنی در آب‌های ساحلی لبنان میان لبنان و سرزمین‌های اشغالی، اعزام کشتی و سرباز، استقرار ایستگاه راداری و مرکز کنترل با تکنولوژی آلمانی از مهم‌ترین بخش‌های مشارکت آلمان در قالب عملیات سازمان ملل در این منطقه هستند.
مدیترانه Sea Guardian	تا سقف ۷۵۰ نیرو آلمان در قالب عملیات ناتو از ۲۰۱۶ در این عملیات به‌عنوان یک عملیات جدید بعد از Active Endeavor به‌منظور تأمین امنیت دریایی با کشتی‌ها و شناورهای جنگی آلمانی مشارکت دارد.
عراق و سوریه: Inherent Resolve Counter Daesh Capacity Building Iraq	از سال ۲۰۱۵ تا سقف ۷۰۰ نفر نیرو آلمان در سوریه و عراق و در قالب «ائتلاف جهانی علیه داعش»، بر مبنای قرارداد با دولت عراق برای آموزش نیروهای پلیس عراق و حمایت از پیشمرگه‌های کرد در شمال این کشور، مبارزه با دولت بشار اسد در سوریه و حمایت از کردهای سوریه حضور دارد. حضور نیروهای آلمانی اخیراً در اکتبر ۲۰۱۹ و مارس ۲۰۲۰ از سوی بوندستاگ تمدید شد. عملیات جاسوسی پهبادی و همچنین پایان استقرار رادار کنترل Luftraumüberwachungsradars در پایگاه اسد در عراق. حضور آلمان در دو بخش اصلی خلاصه می‌شود: ۱. آموزش شبه‌نظامیان در منطقه کردستان/ارییل در شمال عراق و همچنین آموزش نیروهای پلیس در بغداد و ۲. عملیات شناسایی/جاسوسی از پایگاه در اردن بر فراز آسمان سوریه و در مقطعی ارسال سلاح برای کردها و ایزدی‌ها در سوریه.

مآخذ: سایت وزارت دفاع آلمان و دیگر منابع.

#### ۴. وایت پیپر ۲۰۱۶ و «مسئولیت بیشتر»

همان‌گونه که اشاره شد، برخی تحولات همچون مناقشه اروپا و روسیه بر سر اوکراین و جزیره کریمه و همچنین چالش‌های امنیتی دفاعی روابط فرآتلانتیک نقاط عطفی برای بازنگری سیاست‌های دفاعی آلمان و دیگر کشورهای اروپایی برای پیشبرد سیاست استقلال محسوب می‌شوند. «وایت پیپر ۲۰۱۶»<sup>۱</sup>، «طرح بوندس‌ور»<sup>۲</sup> و «پروفایل قابلیت‌های بوندس‌ور»<sup>۳</sup> سه سند اصلی در ارتش آلمان در همین راستا هستند. درحالی‌که اولین سند اهداف کلان و خرد سیاست‌های دفاعی را تشریح می‌کند، سند دوم که در اوایل سال ۲۰۱۸ به تصویب رسیده است چگونگی رسیدن به این اهداف و درنهایت سند محرمانه و داخلی «پروفایل قابلیت‌های بوندس‌ور» ابزار لازم برای رسیدن به اهداف کلان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این سه سند بالادستی در واقع چارچوب مدرن‌سازی بوندس‌ور در سه گام اصلی برای اهدافی در ۲۰۲۳، ۲۰۲۷ و ۲۰۳۱ بنا نهاده شده‌اند (BMVG, 2018). رسیدن به این اهداف با بالا رفتن بودجه نظامی آلمان تا سقف ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی مطابق با تعهدات آلمان به «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) تا سال ۲۰۳۱ خواهد بود. «افق سیاست‌های امنیتی آلمان جهانی است»، جمله‌ای کلیدی است که در صفحه ۵۶ این «وایت پیپر» دیده می‌شود. وایت پیپر ۲۰۱۶ در واقع تقویت گله‌مندی از «احتیاط» در مسائل نظامی از سوی آلمان و درعین حال فراخوانی برای تحقق «اتحادیه امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپایی»<sup>۴</sup> است. البته مرحله «سیاست‌های دفاعی و امنیتی مشترک» هنوز خود به‌دست نیامده است. یکی از ویژگی‌های مشارکت نظامی آلمان و درعین حال یکی از راه‌های این مشارکت و خروج از احتیاط «همکاری‌های ادهاک/موردی»<sup>۵</sup> است. نمونه این مشارکت در «ائتلاف جهانی ضد داعش» در عراق و سوریه، فرمت E3+EU در خصوص مسئله برجام و همچنین فرمت «ترماندی» است (Kaim & Linnenkamp, 2016).

به‌صورت کلی مطلع ساختن دیگر کشورها، عموم، شرکا و پارلمان (بوندس‌تاگ) از مهم‌ترین اهداف نگارش و انتشار «وایت پیپر»ها در آلمان هستند. به‌روزرسانی «وایت پیپر» سیاست‌های نظامی و دفاعی پس از ۱۰ سال در سال ژوئیه ۲۰۱۶ و معرفی آن تحت قالب «وایت پیپر ۲۰۱۶» در خصوص سیاست‌های دفاعی و آینده بوندس‌ور را می‌توان از سویی در راستای سیاست‌های «مسئولیت بیشتر» تلقی کرد. از سوی دیگر، تحولاتی چون «بیداری اسلامی» در کشورهای عربی، آغاز بحران در سوریه و عراق، بحران مهاجران و به‌ویژه الحاق کریمه به روسیه و نوآوری‌ها در خصوص جنگ‌های سایبری از تحولات ویژه‌ای بودند که به تسریع در تدوین و بازنگری «وایت پیپر» انجامیده و در واقع خوراک مناسب برای تأکید

1. Weißbuch der Bundesregierung
2. Konzeption der Bundeswehr
3. Fähigkeitsprofil der Bundeswehr
4. Europäische Sicherheits- und Verteidigungsunion (ESVU)
5. Ad-hoc Kooperation



بیشتر مسئولیت‌پذیری آلمان فراهم آوردند. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف انتشار «وایت پیپر ۲۰۱۶» نهادینه کردن این گفتمان در اذهان عمومی و رونق بحث‌های عمومی در خصوص سیاست خارجی و سیاست‌های امنیتی - دفاعی آلمان باشد.

نتیجه نظرسنجی‌ها در آلمان مؤید موفقیت آلمان در این زمینه است. نتایج مطالعات و نظرسنجی‌هایی که طی چهار سال «مؤسسه دیپلماسی عمومی جهانی» به سفارش دفتر صدراعظم آلمان انجام داده است، نشان می‌دهد که آلمانی‌های جوان علاقه‌مند به یک سیاست خارجی فعال‌تر از سوی دولت آلمان هستند. یک اکثریت ۵۸ درصدی جوانان آلمانی زیر ۳۰ سال انتظار دارند که آلمان مسئولیت‌های بیشتری در صحنه بین‌الملل برعهده گیرد. طبق نتایج این تحقیقات آلمانی‌های جوان بیش از افراد در سنین بالاتر مایل به کاربرد بیشتر ابزار نظامی در سیاست خارجی آلمان هستند. ۴۹/۱ درصد از آلمانی‌های زیر ۳۰ سال معتقدند که آلمان می‌بایست سهم نظامی خود را در برطرف کردن درگیری‌های بین‌الملل نگه دارد. ۱۴/۴ درصد حتی خواهان بیشتر شدن نقش نظامی آلمان هستند. گزارش سالانه «بنیاد کورپر»<sup>۱</sup> در خصوص جایگاه سیاست آلمان در تحولات جهانی و انتشار نظرسنجی این بنیاد سیاسی در آلمان نیز حاکی از رشد روحیه نظامی در افکار عمومی است. بیش از ۳۴ درصد آلمانی‌ها معتقدند که آلمان باید تلاش و دخالت خود را در صحنه بین‌الملل بیشتر کند و برای اولین بار آمار کسانی که سیاست خویش‌داری و محافظه‌کاری آلمان را تحسین می‌کنند کمتر از ۵۰ درصد است. در پاسخ به این سؤال که آیا شرکت‌کنندگان در نظرسنجی تعلق آلمان به غرب و این جامعه ارزشی را ترجیح می‌دهند و یا یک سیاست خارجی بی‌طرف و خنثی را ترجیح می‌دهند، ۵۵ درصد از جامعه ارزشی غرب طرفداری می‌کنند و ۳۱ درصد طرفدار بی‌طرفی هستند. ۴۱ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقدند که هزینه‌های نظامی و دفاعی باید به میزانی که اکنون وجود دارد، بماند، تنها ۱ درصد بیشتر از سال گذشته. ولی در پاسخ به این سؤال که «آیا موافق عدم وابستگی گسترده سیاسی امنیتی به آمریکا هستید حتی اگر به این منظور لازم باشد بودجه دفاعی ۴۳ میلیارد یوروی آلمان دوبرابر میزان کنونی شود؟»، ۵۲ درصد سؤال‌شوندگان جواب مثبت داده‌اند.

یکی از نشانه‌های رشد گفتمان «مسئولیت بیشتر» اظهارات جسورانه و بی‌سابقه آلمان در تحولات سوریه در سال ۲۰۱۹ بود. در ارائه ایده طرح «منطقه امن بین‌المللی»<sup>۲</sup> پس از تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، بر خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از منطقه شمال شرق و شرق سوریه در سال ۲۰۱۹ بود، مسئله‌ای که موجی از واکنش‌های داخلی و خارجی را به دنبال داشت و بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی آن را نوعی خیزش آلمان برای افزایش نقش آفرینی در سیاست‌های امنیتی و نظامی بین‌الملل تلقی کردند. از طرفی نسبت به مفهوم «مسئولیت بیشتر» تاکنون نیز تعبیر مختلفی مطرح شده است:

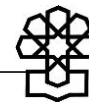
1. Körber Stiftung

2. Internationale Sicherheitszone

سیاستگذاری برای «مسئولیت بیشتر» معمولاً محدود به نقش‌آفرینی در میانجی‌گری؛ حل و فصل مناقشات بین‌المللی؛ حمایت‌های مالی بشردوستانه و تلاش بیشتر برای ایجاد صلح و ثبات بوده است و اخیراً نیز تحت‌الشعاع مسائلی همچون افزایش بودجه برای مأموریت‌های نظامی ناتو؛ سیاست‌های ارسال تسلیحات و مشارکت بیشتر در مأموریت‌های بین‌المللی از طریق اعزام نیرو قرار گرفته است. در هر صورت ارائه طرحی نظامی از سوی آلمان و یا آمادگی اعزام نیروی نظامی و به تعبیری عرض اندام وزارت دفاع این کشور، ماهیتی جدید به مفهوم «مسئولیت بیشتر» بخشیده است؛ به عبارتی ابعاد تازه‌ای از مسئولیت‌پذیری آلمان مشخص شده است که بسیار قابل تأمل است. لذا به نظر می‌رسد نگاه آلمان به مقوله «امنیت» و چگونگی حفظ آن دچار تغییرات بسیاری شده است: اول آنکه موضوع امنیت «از هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آلمان اکنون مستقیماً متوجه خود آلمان شده است» و تکیه صرف بر قدرت آمریکا و تضمین تأمین امنیت اروپا توسط این کشور رنگ باخته است. وی سپس در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی *هاندلزلایت*<sup>۱</sup> با اشاره به تحولات شمال سوریه و توافقات ترکیه و روسیه در «سوچی» آن را توافقی برای درازمدت ندانست و رویکرد کنونی آلمان را نیز نوعی «صبرراهبردی»<sup>۲</sup> خواند و ابراز داشت که «برای من مهم بود که ما آلمانی‌ها موضوع را از ابتدا مجدداً مورد بحث قرار دهیم و توقع برآمدن از عهده آن را از خود داشته باشیم».

مرکل در کنفرانس خبری با دبیرکل ناتو تلویحاً از ایده آکا در خصوص منطقه امن بین‌المللی در شمال سوریه طرفداری کرد. مرکل در خصوص افزایش بودجه نظامی نیز گفت: «من موافق هستم که ما در مسیر اجرای تعهدمان نسبت به اختصاص ۲ درصد از درآمد ناخالص ملی برای بودجه نظامی در چارچوب همکاری با ناتو گام برداریم و همان‌گونه که رئیس‌جمهور قبلی، گوک، فعلی، *اشتاین مایر* و من بارها گفته‌ایم، من موافق این هستم که این روند را دنبال کنیم و مسئولیت‌های بیشتری را برعهده بگیریم».

وی همچنین اساس ایده ایجاد یک «شورای امنیت ملی» را ایده خوبی برشمرد و گفت سال‌هاست این مسئله مطرح است، ولی همواره هماهنگی لازم میان احزاب در خصوص آن صورت نگرفته است، «هرچند این طرح ساختاری از کشورهایی همچون آمریکا با سیستم ریاست‌جمهوری است، ولی می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد».



## ۵. سیاست‌های امنیتی در سایه روابط فرآتلانتیک در دوران ترامپ

پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، روابط فرآتلانتیکی اروپا تحت‌الشعاع سیاست‌های تک‌روانه رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت. روابط امنیتی و سیاسی نیز از این امر مستثنی نبود. اگرچه آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به‌تازگی از بحران امنیتی ناشی از مهاجران از خاورمیانه به‌ویژه در سال‌های پس از ۲۰۱۵ و سیل مهاجران از شمال آفریقا در دو سال اخیر، تاحدی رهایی یافتند، بحران امنیت اکنون در سطحی بالاتر و درخصوص موضوعی مهم‌تر، موضوع اصلی روابط با ایالات متحده قرار گرفته است. اگر در ابتدای به قدرت رسیدن ترامپ، مباحث امنیتی و دفاعی به بودجه ناتو و بحث سهم ۲ درصدی بودجه این نهاد نظامی امنیتی محدود می‌شد، اکنون این بحث در سطحی راهبردی درخصوص بازنگری درخصوص ناتو که از جانب ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، به مرگ مغزی مبتلاست و شکل و ماهیت آن را گرفته است.

طبق نتایج نظرسنجی «بنیاد کوربر» براساس این گزارش تأثیر دولت ترامپ بر مخدوش شدن نگاه آلمانی‌ها به روابط ترانس آتلانتیک بیشتر شده است. ۸۷ درصد از افراد شرکت‌کننده در نظرسنجی تأثیر انتخاب مجدد ترامپ بر این روابط را منفی یا بسیار منفی تلقی می‌کنند. ۲۲ درصد معتقدند که آلمان باید در آینده نیز زیر چتر حمایتی هسته‌ای آمریکا قرار داشته باشد، این درحالی است که ۴۰ درصد چتر حمایتی هسته‌ای فرانسه و انگلستان را ترجیح می‌دهند و ۳۱ درصد نیز مایلند در اصل از حمایت هسته‌ای قدرت‌های دیگر خارج شوند.

مجله «سیاست و جامعه بین‌الملل»، وابسته به «بنیاد فریدریش/برت»<sup>۱</sup>، در مقاله‌ای تحت عنوان «جسارت تغییر» می‌نویسد، اگرچه دفاع از آلمان بدون بمب‌های آمریکایی دشوار است ولی برای آن جایگزین‌هایی وجود دارد (Schlee, 2020). پایبندی و اعتماد به معماری امنیتی فرآتلانتیک شکننده‌تر از هرزمانی شده است. «امنیت دسته‌جمعی» به رهبری ایالات متحده آمریکا به‌ویژه در دوران ترامپ تضمین‌های گذشته را دارا نیست.

با این حال، ماس هرگونه اتحاد نظامی اروپا را نه به‌مثابه جایگزین و یا نسخه جدیدی برای ناتو، بلکه به‌عنوان مکملی برای آن می‌خواند و معتقد است که اروپایی‌ها در آینده، سال‌های متمادی به ناتو نیازمند خواهند بود و اگر روزی نیز توانایی دفاعی کافی را کسب کنند، همچنان می‌بایست *خو/هان* حفظ همکاری با ناتو نیز باشند. در آستانه شروع ریاست دوره‌ای آلمان بر اتحادیه اروپا، وزیر دفاع آلمان، آنه گرت کرامپ کارن باور، نیز در پادکستی اظهار داشت: «ما می‌خواهیم مسیر یک سیاست مشترک واقعی امنیتی و دفاعی به شکلی مصمم را بپیماییم». ما قابلیت‌های نظامی مشترکمان را تقویت می‌کنیم و هماهنگی تجهیزاتمان را و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک آینده‌نگر برای ایستادن مقابل تهدیدهای جدید. ما

برای یک همکاری تعمیق شده با ناتو تلاش می‌کنیم و می‌خواهیم سیاست امنیتی دفاعی راهبردی مشترک خود را با همکاری بیش از گذشته با یکدیگر طراحی کنیم.

در ادامه به دو مورد از مصداق‌های استقلال‌طلبی آلمان و اروپا در حوزه سیاست خارجی و دفاعی اشاره می‌شود.

#### ۱-۵. خلیج فارس نمونه‌ای برای استقلال عمل در سیاست‌های دفاعی و امنیتی

با تأیید وزارت خارجه آلمان درباره خبر دریافت نامه‌ای رسمی از سوی واشنگتن مبنی بر دعوت آمریکا از این کشور برای حضور در مأموریتی دریایی به رهبری آمریکا و با مشارکت دیگر کشورها از جمله فرانسه و انگلیس، آلمان بار دیگر در خصوص روابط فراتلانتیکی خود و به‌ویژه مسائل نظامی در مخمصه افتاد. در این بین، چرخش رویکرد انگلیس از سمت طرح اروپایی خود برای نظارت بر کشتی‌رانی آزاد در خلیج فارس به سمت ایده‌ای آمریکایی از ایجاد ائتلاف به این منظور، اوضاع را برای آلمان دشوارتر و بغرنج‌تر کرد. اگرچه اروپایی‌ها و به‌ویژه رئیس‌جمهور فرانسه با وجود اذعان به ناتوانایی در جبران خسارت‌های ناشی از خروج آمریکا از برجام، در پی حفظ این قرارداد از راه‌های دیپلماتیک هستند، تقلا برای آنها برای تثبیت و تقویت همگرایی اروپایی در مسائل امنیتی اکنون نمود بیشتری پیدا کرده است. آنها تحولات اخیر در خلیج فارس و کشمکش میان بریتانیا و ایران را به مسئله برجام گره زده و مشارکت خود در مأموریتی نظامی با هدایت آمریکا را گامی در مسیر سیاست فشار حداکثری تلقی می‌کنند، مسئله‌ای که آنها حداقل در بیان مخالف آن هستند. مشارکت آلمان در چنین ائتلافی که مبنای حقوقی لازم به معنای مأموریتی از سوی سازمان ملل ندارد و ائتلافی چندجانبه محسوب نمی‌شود، تأثیری مستقیم بر تحولات داخلی آلمان می‌تواند داشته باشد. رولف موتسنیش، رئیس فراکسیون سوسیال دمکرات‌ها در پارلمان آلمان (بوندستاگ) دلیل تحولات اخیر در خلیج فارس را در مصاحبه‌ای با اشپیگل خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام برشمرد و آن را گامی غیرمسئولانه خوانده است «که به جای دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی بر لجاجت و افزایش تنش قدم گذاشته است». به عقیده او هرگونه مأموریت نظامی تحت رهبری آمریکا از این زاویه دید نگرسته می‌شود. او همچنین معتقد است که «هرگونه مشارکت در مأموریتی نظامی بزرگ که مبنای حقوقی از سوی شورای امنیت سازمان ملل ندارد، غیرمسئولانه خواهد بود و فرصت‌های سیاسی حل مشکل را قطعاً زیر آوار می‌برد». کاترین اکارت، رئیس حزب سبزها در آلمان، نیز هرگونه مشارکت در مأموریتی آمریکایی را رد کرد و معتقد است: «ائتلافی از صاحبان اراده با آمریکا به کاهش تنش نخواهد انجامید. وقتی بریتانیا از طرحی اروپایی برای مأموریت حفاظت خداحافظی می‌کند، مشارکتی از سوی آلمان وجود نخواهد داشت». این در حالی است که افرادی همچون یورگن هارت و نوربرت روتگن، دمکرات مسیحی‌های محافظه‌کاری که سیاست خارجی این حزب را نمایندگی می‌کنند، از مشارکت نظامی و شناسایی آلمان در ائتلافی اروپایی استقبال می‌کنند.



به شکلی خلاصه می‌توان برخی از نگرانی‌ها و ملاحظات آلمان در خصوص مشارکت در یک عملیات نظامی و شناسایی در خلیج فارس را این‌گونه برشمرد:

- نگرانی از تأثیرات منفی تحولات اخیر خلیج فارس میان ایران، آمریکا و بریتانیا بر برجام،
- نگرانی از نحوه همکاری بریتانیا با اتحادیه اروپا در زمینه‌های امنیتی پس از برگزیت،
- نگرانی از واکنش‌های غیرمنتظره بریتانیا در خصوص برجام پس از نزدیکی بیشتر با آمریکا به‌ویژه پس از اجرایی شدن برگزیت،
- لزوم نقش‌آفرینی (دیپلماتیک) آلمان و اثبات خود در جایگاه عضو غیردائم شورای امنیت سازمان ملل،
- اشاره به ناوگان نیروی دریایی نه‌چندان کارآمد برای اعزام به مأموریتی نظامی،
- به خطر افتادن آینده دولت ائتلاف بزرگ در پی اختلاف نظر شدید میان احزاب شریک در این ائتلاف در خصوص چرایی و چگونگی مشارکت نظامی آلمان،
- تأکید بر مبانی حقوقی هرگونه عملیات نظامی چه در خصوص تعریف چنین عملیاتی در نظام بین‌الملل امنیت دسته‌جمعی در سطحی بین‌الملل و یا اروپایی و چه در خصوص ملاحظات داخلی مربوط به قانون اساسی آلمان و لزوم حصول موافقت پارلمان برای مشارکت در عملیات نظامی فرامرزی.

## ۲-۵. سیاست‌های دفاعی و امنیتی اروپا در قالب اتحاد چندجانبه‌گرایان

خلأ قدرت ایجاد شده به دلیل شانه خالی کردن ایالات متحده آمریکا از حمایت‌های مالی و معنوی سازمان ملل متحد و برخی نهادهای وابسته به آن، فرصتی را برای قدرت‌های حامی «چندجانبه‌گرایی» فراهم آورده است، تا با اراده و ابتکار عمل خود، برای حفظ و تقویت نظم جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و همکاری براساس قوانین و ضوابط تلاش کنند. خروج یک‌جانبه دولت کنونی ایالات متحده آمریکا از قراردادهای بین‌المللی، ناکارآمدی شورای امنیت سازمان ملل در حل بحران‌ها و یا تعلل و مشکلات فراوان در نهایی کردن «پیمان مهاجرت»، از جمله مصداق‌های این شرایط بحرانی برای چندجانبه‌گرایی هستند. آنتونیو گوتِرش، دبیرکل سازمان ملل، در نشست افتتاحیه هفتادوسومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در سال ۲۰۱۸، این‌گونه نسبت به این بحران هشدار می‌دهد: «چندجانبه‌گرایی دقیقاً زمانی مورد هدف قرار گرفته شده است که ما بیش از هر دوره‌ای به آن احتیاج داریم».

در ژوئیه سال ۲۰۱۸، فراخوان هایکوماس، وزیر خارجه آلمان، به مشارکت در «ائتلاف چندجانبه‌گرایان»، در نفی روند سیاسی شکل گرفته از سوی دولت دونالد ترامپ و در پی عقب‌نشینی آمریکا از نظم جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی صورت گرفت. از این تاریخ به بعد مقامات آلمانی، به‌ویژه صدراعظم مرکل و وزیر خارجه ماس، همواره در دیدارهای مختلف با سران و نمایندگان دیگر کشورها، به‌ویژه در سفر به کشورهایی که ظرفیت‌های لازم برای مشارکت در طرح «اتحاد چندجانبه‌گرایان» را دارند، همواره در این خصوص طرح مسئله کرده و این موضوع را در دستورکار قرار داده‌اند. هایکو ماس

در اجلاس سفرای آلمان، در محل وزارت خارجه آلمان، در ۲۷ آگوست ۲۰۱۸ که در آن نخست‌وزیر کانادا به‌عنوان مهمان ویژه حضور داشت، اظهار داشت: «آلمان می‌بایست مخالفت کند و به‌دنبال جایگزین‌های خود باشد، وقتی ارزش‌ها و منافع ما در واشنگتن، نادیده گرفته می‌شوند [...] این مطلب برای مناطق مختلف مثل بالکان غربی، خاورمیانه و یا آفریقا صدق می‌کند» (Maas, 2018).

## ۶. برخی تحولات روز در امور دفاعی و امنیتی آلمان

### ۶-۱. پهبادهای مسلح

پهبادها<sup>۱</sup> بخشی از تجهیزات نیروی هوایی آلمان را شکل می‌دهند که برای امور «عملیات‌های شناسایی/جاسوسی» به‌کار گرفته می‌شوند. این ادوات شامل «بلک هورنت»<sup>۲</sup>های بسیار کوچک تا پهبادهای ۱۸ متری «هرون ۱» ساخت رژیم صهیونیستی هستند. بخش بزرگی از پهبادهای در اختیار ارتش آلمان (بوندس‌ور) از آمریکا و رژیم صهیونیستی خریداری یا اجاره شده است. ساخت پهبادهای هرون اسرائیلی<sup>۳</sup> و همچنین «پهباد اروپایی»<sup>۴</sup> به‌صورت مشترک در اروپا از جمله پروژه‌های هستند که در حال انجامند. باین‌حال، نمونه‌های آلمانی پهباد<sup>۵</sup> نیز نقشی تعیین‌کننده در نیروی هوایی ارتش آلمان دارند.

روند فزاینده کاربرد پهبادهای شناسایی و نظامی و به‌واسطه آن خودکارسدن جنگ‌ها در سال‌ها و ماه‌های اخیر به یکی از موضوع‌های اصلی محافل سیاسی و نظامی تبدیل شده است که البته در این گزارش مجال پرداختن به آن نیست. اگرچه آلمان تاکنون به استفاده از «پهبادهای غیرمسلح جاسوسی» بسنده کرده است، استفاده از پهبادهای نظامی مسلح در ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل روز سیاست‌های دفاعی آلمان، تبدیل شده است. از سال ۲۰۰۹ موضوع پهبادهای نظامی مسلح گاه و بیگاه در دستور کار کمیسیون امور دفاعی بوندستاگ قرار گرفته است. سال ۲۰۱۷/ورزولا فون درلاین، وزیر وقت دفاع آلمان که اکنون بر مسند ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا نشسته است، درصدد خرید پهباد «هرون تی-پی» بود که قابلیت تسلیح را داراست. این مسئله موجی از اعتراضات را به‌ویژه از سوی حزب «سوسیال دمکرات» به راه انداخت. این موضوع در قرارداد دولت ائتلافی کنونی آلمان، موسوم به «ائتلاف بزرگ»، نیز مورد اشاره قرار گرفته است. طرفداران مسلح کردن این پهبادها آن را برای تأمین امنیت و دفاع از سربازان آلمانی به‌عنوان مثال در افغانستان ضروری می‌دانند. در مقابل، با اشاره به نمونه‌هایی از استفاده از این پهبادها در یمن و همچنین کاربرد آنها توسط نیروهای آمریکایی در پاکستان مرگ‌آفرینی این پهبادها گوشزد می‌شود. با این وجود، وزیر دفاع آلمان، آنه گرت کرامپ کارن باور، در سفر خود به

1. Unmanned Aerial Vehicle, UAV  
 2. Black Hornet  
 3. Heron TP  
 4. Eurodrohne  
 5. z.B. LUNA, KZO, Aladin, Mikado



افغانستان در دسامبر ۲۰۱۹ نسبت به تسلیح پهبادهای آلمانی ابراز امیدواری کرده بود. در جلسه استماعی که در کمیسیون دفاعی بوندستاگ در تاریخ ۱۱ مه ۲۰۲۰ برگزار شد، نمایندگان ارتش آلمان، فراکسیون یونیون (دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی)، فراکسیون راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان»<sup>۱</sup> و «دمکرات آزاد»<sup>۲</sup> از مسلح شدن پهبادها استقبال و «سبزها» و فراکسیون «چپ‌ها»<sup>۳</sup> نیز با آن مخالفت ورزیدند. یکی از مهم‌ترین کاربردهای پهبادهای جاسوسی آلمان در حال حاضر در عملیات موسوم به «ائتلاف جهانی ضد داعش» در مرز سوریه و اردن و همچنین در عملیات‌های شناسایی در شمال افغانستان است که در جدول شماره ۱ بدان اشاره شد.

## ۲-۶. مشارکت هسته‌ای آلمان

سناریوهای جنگ هسته‌ای و فسخ قراردادهای کنترل سلاح همچون «آی-ان-اف»<sup>۴</sup> در سال‌های اخیر موجب احیای دوباره بحث بر سر موضوع مشارکت هسته‌ای بعد از یک دوره سکوت در دوران بعد از جنگ سرد شده است. این مسئله آلمان را نیز بر سر دوراهی انتخاب مشارکت یا خروج از آن قرار داده است و با توجه به رویکردهای مبتنی بر سود و زیان رفتار دوگانه این کشور را دربرداشته است. اگرچه در «دوران سکوت» اهمیت سیاسی بمب‌های اتمی «تاکتیکی» و همچنین ادوات جنگی با قابلیت حمل سلاح اتمی که در اختیار کشورهایی چون آلمان قرار گرفتند کاسته شده و برخی کشورها از جمله یونان و یا کانادا از مشارکت هسته‌ای خارج شده‌اند، کشورهایی نظیر آلمان دریافت‌کننده تعدادی از «بمب‌های اتمی غیرهدایت‌شونده» و همچنین هواپیماهای تورنادو و اف-۱۶ شدند و از این طریق در بازدارندگی هسته‌ای مشارکت دارند. با وجود تصمیم آمریکا و شوروی در ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ در خصوص انهدام داوطلبانه بمب‌های اتمی، از مجموع ۶۰۰ بمب هسته‌ای غیرهدایت‌شونده آمریکا مستقر در سایر نقاط جهان ۱۵۰ عدد در اروپا و از این میزان ۲۰ بمب در آلمان نگه‌داری می‌شوند. در سال ۲۰۱۰ قرارداد «نیو استارت»<sup>۵</sup> نیز به کاهش تسلیحات اتمی کمک کرد ولی در نهایت این تحولات اوکراین و جزیره کریمه و اخیراً چالش‌های روابط فراتلانتیکی است که به موضوع بازدارندگی هسته‌ای رونق دوباره‌ای بخشیده است. دو قدرت روسیه و آمریکا اگرچه در دوران پس از جنگ سرد تاکنون به دلیل قراردادهایی نظیر موارد یادشده تعداد و تنوع سلاح‌های هسته‌ای خود را به میزان ۲۰ درصد توانایی‌ها در دوران جنگ سرد کاهش داده‌اند، اما این دو قدرت کماکان ۶۰۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارند که از این میزان ۳۸۰۰ تا ۴۲۰۰ کلاهک در آماده باش و مرحله عملیاتی هستند. این به معنای ۹۱ درصد ذخایر اتمی جهان است.

---

1. AfD  
2. FDP  
3. Linke  
4. Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty (INF)  
5. New Start

وزیر دفاع آلمان، که پست ریاست حزب دمکرات مسیحی<sup>۱</sup> را همچنان در اختیار دارد، در راستای مشارکت آلمان در «بازدارندگی هسته‌ای» از برنامه آلمان برای جایگزینی تورنادوهای آلمانی به وسیله جنگنده‌های یوروفایتر و جنگنده‌های اف-۱۸ آمریکایی با قابلیت حمل بمب هسته‌ای خبر داده بود. رولف موتسنیش، رئیس فراکسیون سوسیال دمکرات<sup>۲</sup> در بوندستاگ در واکنش به این پیشنهاد اظهار داشت که «بمب‌های اتمی امنیت ما را افزایش نمی‌دهند، بلکه برعکس. وقت آن رسیده است که آلمان استقرار (بمب‌های اتم) را در آینده گزینه‌ای منتفی بداند. این کار را دیگر کشورها نیز انجام داده‌اند، بدون آنکه ناتو بخواهد از این طریق زیرسؤال برود». این نماینده پارلمان آلمان رویکرد خود را همچنین با این دلیل توجیه می‌کند که «دولت ترامپ اعلام کرده است که سلاح هسته‌ای تنها برای بازدارندگی نبوده، بلکه این سلاح می‌تواند در جنگ نیز استفاده شود».

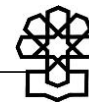
در ادامه به برخی واکنش‌ها در این خصوص اشاره می‌شود: *ماتیاس واختر*، نماینده بوندستاگ و رئیس دپارتمان امنیتی «اتحادیه فدرال صنعت آلمان»<sup>۳</sup> در واکنش به خواسته رئیس فراکسیون سوسیال دمکرات، مبنی بر خارج کردن بمب‌های هسته‌ای از آلمان می‌نویسد: «خروج آلمان از مشارکت اتمی با تکروی ملی عمیقاً نشانه عدم همبستگی و واقعاً ضداروپایی است، چراکه کشورهای ضعیف‌تر عضو ناتو، به‌ویژه در شرق اروپا، روی برلین حساب باز کرده‌اند». *اشتفان مولر*، نماینده سوسیال مسیحی<sup>۴</sup> از شهر ارلانگن آلمان ضمن حمله به سوسیال دمکرات‌ها در خصوص آینده مشارکت آلمان در بازدارندگی هسته‌ای و خرید جنگنده‌های آمریکایی با قابلیت حمل بمب هسته‌ای در توثیتی اظهار می‌دارد: «مشارکت هسته‌ای برای امنیت آلمان غیرقابل چشم‌پوشی و از این جهت غیرقابل مذاکره است. سوسیال دمکرات‌ها غرق در جنبش صلح به‌نحوی فزاینده و به‌شکلی قوی در مسیر گمراهی به‌سوی چپ قرار دارند. مسئولیت سیاسی - امنیتی بیشتر و حسی عمیق‌تر از واقعیت حال طرفداران (تان) را بهتر خواهد کرد».

*کلاودیا مایور*، رئیس گروه علمی مطالعات امنیت بین‌المللی «بنیاد علم و سیاست» و کریستین مولینگ، معاون «شورای آلمانی روابط خارجی»<sup>۵</sup> (هر دو مؤسسه، مهم‌ترین نهادهای مشاوره‌ای دولت آلمان هستند)، در مقاله‌ای تحت عنوان «خروج به‌نحوی دیگر نیز امکان‌پذیر است» (Major & Mölling, 2020) معتقدند که خروج آلمان از مشارکت هسته‌ای دنیا را امن‌تر نخواهد کرد. این کارشناسان در ادامه گزینه‌های سه‌گانه‌ای را مطرح می‌کنند:

۱. آلمان خارج می‌شود و این امید را دارد که آمریکا و دیگر شرکا مسئولیت بازدارندگی را پیش ببرند، برای آلمان نیز.

---

1. CDU  
 2. SPD  
 3. Bundesverband der deutschen Industrie (BDI)  
 4. CSU  
 5. Deutsche Gesellschaft für Auswärtige Politik (DGAP)



۲. آلمان با شرکای اروپایی، همانند بریتانیا و فرانسه ابتکاری اروپایی در زمینه هسته‌ای را پیش می‌برد. فرانسه اخیراً پیشنهاد «دیالوگ راهبردی» را داده بود.

۳. آلمان ایده امنیتی قانع‌کننده‌ای ارائه دهد که در آن بازدارندگی هسته‌ای جایی ندارد و حتی به صورت کلی از امنیت مبتنی بر مسائل نظامی صرف نظر می‌کند.

مشارکت آلمان در بازدارندگی هسته‌ای در حالی ادامه دارد که حضور در یک اتحاد و یا مشارکت در بازدارندگی هسته‌ای طبق «پیمان منع جنگ‌افزار هسته‌ای»<sup>۱</sup> ممنوع است (Glatz, Major, Richter, & Schneider, 2020). علاوه بر این از نظر حقوقی و اخلاقی حضور در رقابت تسلیحاتی در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی مسئله‌ای است که با سیاست‌های اعلامی آلمان در خصوص کنترل یا خلع سلاح هسته‌ای در تناقض کامل قرار دارد. به نظر می‌رسد آلمان از سویی صحنه رقابت دو قدرت آمریکا و روسیه (به‌عنوان مثال پروژه نورد استریم ۲ و یا نقش آلمان در بازدارندگی هسته‌ای) است و از سویی دیگر البته نقطه وصل کلیدی آمریکا در اروپا. بنابراین همبستگی نظامی و امنیتی اروپا و آمریکا تا حد زیادی متأثر از رفتار آلمان در همراهی و یا عدم همراهی با بازدارندگی هسته‌ای آمریکا خواهد بود.

### ۳-۶. چتر حمایتی هسته‌ای اروپایی

تنها چند هفته بعد از اظهارات جنجالی ماکرون در انتقاد از وضعیت «ناتو» و ادعای «مرگ مغزی»<sup>۲</sup> این اتحاد نظامی، «بنیاد کوربر» نتایج قابل تأمل و توجه یک نظرسنجی را این‌گونه منتشر کرد: ۴۰ درصد آلمانی‌ها تمایل دارند که تحت حمایت بازدارندگی هسته‌ای اروپایی باشند و تنها ۲۲ درصد همچنان معتقد بر بازدارندگی هسته‌ای آمریکایی هستند (Körber Stiftung, 2019). بسیاری از اندیشکده‌ها و سیاستمداران با رویکرد فراآتلانتیک به این بهانه که بازدارندگی هسته‌ای اروپایی هزینه‌های نظامی گزافی برای آلمان دربر خواهند داشت، سعی دارند این ایده را در نطفه خفه کنند. علاوه بر این هزینه‌های بسیاری برای ایجاد، حفظ و نگهداری «راهبرد ضربه دوم» نیاز است و همچنین هرگونه اختلال در اتحاد فراآتلانتیک، به نفع روسیه است.

در حال حاضر فرانسه حداقل ۳۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد که حمایت هوایی و دریایی را دربرمی‌گیرد. بنابراین به نظر نمی‌رسد، زیر چتر حمایتی فرانسه قرار گرفتن، هزینه‌های زیادی برای هزینه‌های تجهیز متعارف داشته باشد.

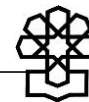
یوهانس وادفول، سیاستمداران حزب دمکرات مسیحی و معاون فراکسیون یونیون (اتحاد دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی) بوندستاگ در مصاحبه‌ای با تاگس اشپیگل، خواهان مشارکت آلمان در بازدارندگی هسته‌ای اروپایی در قالب همکاری راهبردی هسته‌ای با فرانسه شده بود. پیشنهاد مشخص

1. Atomwaffenverbotsvertrag

2. brain death

وادفول که کارشناس مسائل امنیتی و سیاست خارجی در حزب یونیون محسوب می‌شود، متمرکز بر در اختیار قرار گرفتن توان هسته‌ای فرانسه تحت فرماندهی اتحادیه اروپا و ناتو است. در اختیار دیگران قرار دادن حق حاکمیت هسته‌ای و تقسیم قدرت هسته‌ای البته موضوعی است که فرانسه آن را نمی‌پذیرد. پس از برگزیت، فرانسه به‌عنوان تنها قدرت اتمی اتحادیه اروپا با دارا بودن حدود ۳۰۰ کلاهک هسته‌ای - طبق آمار خود فرانسه - به دیگر کشورهای اروپایی و به‌ویژه آلمان پیشنهاد مشارکت در بازدارندگی هسته‌ای فرانسه را داده است. ماکرون در سخنرانی خود در جمع فارغ‌التحصیلان «مدرسه جنگ» در پاریس بر لزوم استقلال بیشتر اروپا در زمینه‌های دفاعی و امنیتی تأکید کرد. در همین راستا، او به دیگر کشورهای اروپایی پیشنهاد «دیالوگ راهبردی» در خصوص بازدارندگی هسته‌ای اروپایی را داد. این پیشنهاد در حال حاضر معطوف به مشارکت کشورهای اروپایی علاقمند در مانورهای نظامی مربوط به بازدارندگی هسته‌ای فرانسه است. از دید فرانسه حوزه دفاعی و نظامی در اتحادیه اروپا باید اولویت بودجه‌ای کسب کند. این حوزه باید با توجه به تغییرات روز در خصوص آینده نظم جهانی تغییرات اساسی را تجربه کند. درعین حال، تقسیم قدرت هسته‌ای در اتحادیه اروپا موضوعی است که فرانسه آن را برنخواهد تابید. اکنون آلمان از یکسو از طرف آمریکا و چتر حمایتی سنتی امنیتی و ازسوی دیگر ازسوی فرانسه تحت فشار است. پیشنهاد چتر حمایتی هسته‌ای اروپایی از طرف فرانسه نیز ازسویی برای استقلال بیشتر اروپا از ایالات متحده و درعین حال شکل‌دهی بازدارندگی مناسب در مقابل قدرت چین بررسی می‌شود. طبق تحقیقی که بنیاد کورپر در آلمان صورت داده است، آمار آلمانی‌هایی که طرفدار یک چتر حمایتی فرانسوی هستند، دوبرابر کسانی است که به چتر حمایتی آمریکایی موجود رأی می‌دهند.<sup>۱</sup> وزیر دفاع آلمان در نشست مشترک پارلمانی در اشتراسبورگ با بیان اینکه آلمان زیر چتر حمایتی هسته‌ای ناتو است و عنوان داشت ساخت بمب هسته‌ای توسط آلمان برای او «خیلی واقعی به نظر نمی‌رسد». علی‌القاعده طرح دوباره این موضوع می‌بایست بار دیگر با سد رژیم کنترل تسلیحات و خلع سلاح روبه‌رو شود. نگرانی اصلی این نیست که این پیوستن به همکاری هرچند موقتی بابی برای هسته‌ای شدن آلمان باشد و در واقع خروج از این همکاری به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه مشخص است آنکه بحث بر سر بازدارندگی هسته‌ای اروپایی، موضوع اصلی دفاعی و امنیتی در محافل سیاسی و رسانه‌ای را شکل خواهد داد. آنچه بیش‌ازپیش ممکن و محتمل به نظر می‌رسد، استفاده از توان نظامی هسته‌ای فرانسه طبق مدلی است که آلمان سال‌هاست از ایالات متحده آمریکا حمایت می‌شود، به عبارتی تجهیز جنگنده‌های آلمانی به بمب‌های هسته‌ای فرانسوی.

این‌گونه به نظر می‌رسد که همه‌چیز دست‌به‌دست هم داده است تا آلمان بار دیگر رویکردی نظامی را در دستور کار قرار دهد، یا حداقل در آستانه ورود به دوران جدید از سیاست نظامی و امنیتی خود باشد. با توجه به سیاست‌های اعلامی صلح‌طلبانه و میانجیگرانه آلمان، بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند



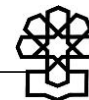
به‌عنوان «انتخاب بد از بدتر» برای افکار عمومی ارائه شود. انتخاب بد باقی ماندن در زیر چتر حمایتی هسته‌ای آمریکا است که برای آلمان با افزایش هزینه‌های دفاعی طبق میل آمریکا همراه است و انتخاب بدتر همان بازدارندگی هسته‌ای اروپایی است که هزینه آن به مراتب بیشتر از گزینه اول است: تجهیز تسلیحاتی یا تجهیز تسلیحاتی بیشتر (Schlee, 2020). آرمین لاشیت، سروزیر ایالت نوردراین وست فالن، که اکنون به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نامزدهای ریاست حزب «دمکرات مسیحی» آلمان و حتی صدراعظمی پس از مرکل مطرح است، در سخنان خود نسبت به تعلل آلمان در پاسخ‌گویی به ابتکارات فرانسه انتقاد کرد. او با اشاره به پیشنهاد «گفتگوی راهبردی اروپا» امانوئل ماکرون مربوط به «چتر حمایتی هسته‌ای اروپایی» خواهان استقلال اروپا از آمریکا در زمینه‌های دفاعی و امنیتی شد.

#### ۴-۶. خروج نیروهای آمریکایی از آلمان

حدود ۳۵ هزار نیروی نظامی آمریکایی در آلمان مستقر هستند. علاوه بر این حدود ۱۷ هزار آمریکایی و ۱۲ هزار آلمانی غیرنظامی نیز در خاک آلمان با هزینه‌های پنتاگون فعالیت می‌کنند. بیشتر نیروهای آمریکایی در ایالت *راینلند فالتس* در جنوب غربی آلمان و در دو مرکز نظامی «رامشتاین» و «لنداشتول» مستقر هستند. ایالت *بایرن* نیز شمار زیادی از این نیروها را در خود جای داده است. در *رامشتاین* تقریباً تمامی مرسولات نظامی به عراق و افغانستان و کمک‌های لجستیکی تحت کنترل این مرکز نظامی صورت می‌گیرد. عملیات نظامی در شمال آفریقا نیز از این منطقه در جنوب آلمان هدایت می‌شود. طبق اعلام دولت آمریکا، ترامپ قصد دارد در پاییز ۲۰۲۰ بخشی از نیروهای آمریکایی، حدود ۹۵۰۰ نفر، را از آلمان خارج کند. *وال استریت ژورنال* در گزارش خود میان این تصمیم ترامپ و رد دعوت ترامپ از سوی مرکل برای برگزاری نشست جی-۷ در واشنگتن به دلیل کرونا ارتباطی ایجاد می‌کند. با این وجود، باید این نکته را مدنظر قرار داد که ترامپ در سفر اروپایی خود در پاییز ۲۰۱۹ نیز از انتقال نیروهای آمریکایی از خاک آلمان به لهستان خبر داده بود. دلیل اصلی این تصمیم سال گذشته نارضایتی آمریکا از مشارکت ناکافی مالی و نظامی آلمان در امور نظامی بود. گرول، سفیر آمریکا در برلین، در توثیتی نوشته بود: «این واقعاً توهین‌آمیز است که مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه ۵۰ هزار سرباز آمریکایی را در آلمان می‌پردازند ولی آلمانی‌ها از مزاد درآمد تجاری برای مصارف داخلی خود استفاده می‌کنند». در جدول شماره ۲ واکنش‌های برخی سیاستمداران و مقامات آلمانی در خصوص تصمیم آمریکا قابل مشاهده است. دقت در اظهارات علاوه بر دریافت درکی کلی نسبت به نظر سیاستمداران آلمانی تا حد زیادی رویکرد متفاوت احزاب مختلف آلمان به چنین مسائلی را نمایان می‌سازد.

## جدول ۲. برخی واکنش‌ها به تصمیم آمریکا مبنی بر خروج برخی از نیروهای این کشور از آلمان

هیمینگ اوت، سخنگوی فراکسیون یونیون (اتحاد دمکرات مسیحی/سوسیال مسیحی) در بوندستاگ
چنین تصمیمی در خصوص خروج احتمالی نیروهای نظامی آمریکا از آلمان آن هم در این ابعاد باید قبلاً در مذاکرات دوجانبه و یا در ناتو بحث می‌شد. باید صبر کنیم ببینیم آمریکا دقیقاً چه چیزی در سر دارد. تقویت ستون‌های اروپایی در ناتو و امنیت مشترک اروپایی بیش از هر زمانی اهمیت یافته است. آلمان می‌بایست مسیر مدرن‌سازی بوندس‌ور را ادامه دهد و قابلیت‌های نظامی که قول آن را به شرکا داده بود در اختیار آنها قرار دهد.
یوهان وادفول، معاون فراکسیون یونیون در بوندستاگ
این برنامه‌ها بار دیگر نشان می‌دهند که دولت ترامپ به یک وظیفه اساسی رهبری بی‌توجهی می‌کند: مشارکت دادن شرکای اتحاد در فرایندهای تصمیم‌گیری. همه از انسجام اتحاد بهره می‌برند، به جز روسیه و چین که از تفرقه سود می‌برند. این مسئله باید در واشنگتن بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این تلنگری دیگر برای ما اروپایی‌هاست تا در مسائل امنیتی سیاسی نیز سرنوشت‌مان را خود در دست بگیریم.
فریتس فلگن تروی، سخنگوی امور دفاعی حزب سوسیال دمکرات
آمریکایی‌ها می‌توانند نسبت به آنچه منطقی می‌پندارند تصمیم بگیرند. اما برای اعمال فشار این موضوع مناسبی نیست، اینکه این تصمیم واکنشی به مخالفت مرکل برای شرکت در نشست جی ۷ در واشنگتن و یا به دلیل دعوا بر سر ساخت خط لوله نورد استریم ۲ باشد. سؤال اینجاست که اکنون سربازان کجا می‌روند؟ به خانه برمی‌گردند یا به سمت شرق (منظور احتمالاً لهستان) روانه می‌شوند؟
تویباس لیندر، سخنگوی سیاست‌های دفاعی حزب «دمکرات آزاد/لیبرال‌ها»
کسی که این‌گونه رفتار می‌کند نمی‌تواند در بروکسل با این نگرش که می‌تواند تعهدات شرکا را به آنها گوشزد کند، وارد میدان شود. رفتار ترامپ همانند راننده‌ای است که در خلاف جهت مسیر ترانس اتلانتیک می‌گازد. احتمالاً رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اصلاً مطلع نیست که آلمان محور و محل اصلی تأمین لجستیک و درمانی برای ارتش آمریکا است. به‌ویژه برای مأموریت‌ها در خاور نزدیک و دور. این تصمیم دیگر نهایتش است و هم‌زمان یک سیلی برای هایکو ماس.
رودیگر لوکاسن، مسئول سیاست‌های دفاعی حزب آلترناتیو برای آلمان
خروج احتمالی نقش تماشایی بودن دولت فدرال را بار دیگر افشا می‌کند. وزیر خارجه مشغول رفع و رجوع تعطیلات تابستانی آلمانی‌هاست به‌جای امنیت آلمان. دولت ترامپ سخت (مشکل‌آفرین) است. یک سیاست خارجی حرفه‌ای البته می‌بایست از پس شرایط سخت نیز برآید، تا بتواند منافع جمهوری فدرال را برآورده کند.
الکساندر نوی، نماینده حزب چپ در کمیسیون دفاعی بوندستاگ
این یک شروع خوب است. فقط چه حیف که یک‌دفعه همه سربازان آلمان را ترک نمی‌کنند. خواسته چپ‌ها را یادآوری می‌کنم که آمریکایی‌ها بهتر است بمب‌های اتمی را نیز از بوشل فراخوانند. خروج نیروها تحت هر شرایطی نباید برای مالیات‌دهندگان آلمانی هزینه‌ای داشته باشد. سال گذشته در سؤال از دولت فدرال دریافتیم که دولت در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ حدود ۲۵۰ میلیون یورو برای سربازان آمریکایی در کشور خرج کرده است.
ودریش کیژوتر، سخنگوی امور خارجه فراکسیون یونیون
استقرار این نیروها در لهستان بی‌جهت روابط متقابل ناتو و روسیه را به خطر می‌اندازد. دولت فدرال می‌بایست اکنون با شرکای اروپایی گفتگو کند تا قبل از انتخابات آمریکا روند و سابقه‌ای برای موارد مشابه شکل نگیرد.
دیتمار بارچ، رئیس فراکسیون چپ‌ها
خروج نیروهای آمریکایی را باید به فال نیک گرفت. دولت می‌بایست این مسئله را با قردانی ببذرد و به‌زودی به همراه دولت ترامپ زمینه خروج کامل همه نیروهای آمریکایی را فراهم کند. هنگامی که سربازان فراخوانده



شوند، می بایست با خود بمب‌های آمریکایی را نیز ببرند.
پروفسور کارلو مازالا از دانشگاه ارتش مونیخ
خارج کردن نیروها از آلمان در این زمان یک بعد سمبلیک دیگر از وضعیت رابطه آلمان و آمریکا است. نباید درباره این مسئله خودمان را فریب بدهیم که این رابطه در حال حاضر بسیار خراب است.
فریتز فلگنتروی؛ سخنگوی فراکسیون سوسیال دمکرات در بوندستاگ
خارج کردن ۱۰ هزار سرباز ظرف سه ماه؛ من فکر می‌کنم قرار است صرفاً چیزی به افکار عمومی داخلی آمریکا اثبات شود.
یورگ مویتن، یکی از سران حزب آلترناتیو برای آلمان
چنین موضوعی می‌بایست دوجانبه مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت. اما اتفاق نیفتاده است. ظاهراً ماس (وزیر خارجه آلمان) بیشتر نگران تعطیلات رفتن آلمانی‌هاست تا وظایف ذاتی‌اش در واشنگتن.
امیلی هابر سفیر آلمان در آمریکا
سربازهای آمریکایی در آلمان هستند تا از امنیت فراتلانتیک دفاع کنند نه از آلمان. همکاری در زمینه نظامی و مسائل امنیتی همواره تنگاتنگ بوده است و این‌گونه نیز باقی خواهد ماند.

#### ۵-۶. رامشتاین/سردار سلیمانی

ترور شهید سپهبد سلیمانی را می‌توان به‌عنوان یک نقطه عطف دیگر در روابط امنیتی و دفاعی فراتلانتیک اروپا و آلمان تلقی کرد. اگرچه مقامات اروپایی و به‌ویژه آلمان در سیاست‌های کلی و رفتار خود نسبت به تحولات منطقه غرب آسیا به‌ویژه عراق، سوریه و یمن همواره همراه و همپای ایالات متحده آمریکا بوده‌اند، اقدام تروریستی آمریکا علیه سپهبد سلیمانی به‌نوعی تک‌روی آمریکا و نشان‌دهنده فقدان و یا ضعف روزافزون مشارکت اروپا در تصمیمات و اقدام‌های امنیتی آمریکا است. این در حالی است که تحولات مربوط به منطقه و پیامدهای هر اقدامی با توجه به نزدیکی جغرافیایی با اروپا به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم متوجه کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. بنابراین، می‌توان از این اقدام تروریستی به‌عنوان دلیلی دیگر نزد اروپایی‌ها برای استقلال بیشتر از امنیت متکی بر ایالات متحده آمریکا یاد کرد. اما این نظریه حداقل در مورد آلمان به‌دلیل حضور پایگاه نظامی رامشتاین در خاک این کشور سؤال‌برانگیز است. نقش پایگاه هوایی آمریکا در رامشتاین برای انجام عملیات پهبادی در منطقه غرب آسیا حیاتی است، چراکه هدایت حملات یا عملیات پهبادی در کشورهای منطقه چون عراق و سوریه به دلایل مختلف از جمله محدودیت‌های فنی از طریق این پایگاه صورت می‌گیرد. بنابراین، دلایل بسیار محکمی وجود دارد که هدایت عملیات مربوط به ترور سپهبد سلیمانی نیز نه از نقطه‌ای در منطقه بلکه از سوی پایگاه رامشتاین نیز هدایت شده است.

#### ۷. تولید و فروش تسلیحات

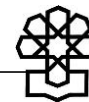
طبق گزارش اشپیگل، میزان صادرات تجهیزات نظامی به ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی علیه

یمن در یک سال اول دولت آلمان، یعنی تا قبل از نوامبر ۲۰۱۸، حدود سه چهارم کل حجم واردات تسلیحات این ائتلاف به مبلغ ۳۹۸ میلیون یورو بوده است. میزان این واردات برای امارات متحده عربی ۶۸ مجوز به ارزش ۵۷ میلیون یورو و برای عربستان سعودی مجموعاً در این سال شامل ۱۰ مجوز به ارزش ۲۵۵ میلیون یورو بوده است (Spiegel, 2019). این ارقام درخصوص دیگر کشورهای درگیر جنگ یمن به این شکل بوده است: (کویت: ۶۶ مجوز به ارزش ۶۷,۷ میلیون یورو؛ بحرین: ۹ مجوز، ۱۶,۲ میلیون یورو؛ مصر: ۳۵ مجوز به ارزش ۱۱,۸ میلیون یورو و اردن: ۱۹ مجوز به ارزش ۱۱,۳ میلیون یورو). عربستان سعودی در سال ۲۰۱۸ با حجم واردات تسلیحاتی ۴۱۶ میلیون یورویی (پس از الجزایر، ۸۰,۲ میلیون، آمریکا: ۵۰,۶ میلیون و استرالیا: ۴۳,۲ میلیون یورو) چهارمین مشتری صنعت تسلیحاتی آلمان از نظر حجم مبادلات بوده است (Zeit, 2018).

از زمان قتل جمال قاشقچی دولت آلمان در پاییز ۲۰۱۸ محدودیت‌های زیادی را درخصوص ارسال تجهیزات جنگی و سلاح به عربستان سعودی و دیگر کشورهای درگیر در جنگ یمن وضع کرده است. در آن زمان صحبت از ممنوعیت کامل ارسال تسلیحات به این کشورها شد. به اصرار حزب سوسیال دمکرات در قرارداد مربوط به ائتلاف بزرگ نیز قیدی درخصوص جلوگیری از ارسال تجهیزات و تسلیحات به کشورهای درگیر در جنگ یمن گنجانده شد.

اما با وجود این، دولت آلمان تحت فشار فرانسه و انگلستان و به‌ویژه با درخواست‌های مکرر صاحبان این صنایع در آلمان برخی محدودیت‌ها درخصوص پروژه‌های مشترک ساخت تسلیحات و قطعات با دو شریک اروپایی را در مواردی معلق کرد، به‌عنوان مثال در پروژه ساخت هواپیماهای یوروفایتر که طبق درخواست و قرارداد تسلیحاتی با عربستان سعودی تنظیم شده‌اند.

در آوریل ۲۰۱۹ نیز مجوز صادرات قطعات آلمانی برای ساخت برخی تجهیزات نظامی در کشور فرانسه برای مقصد نهایی، یعنی عربستان، صادر شد. اگرچه ساخت نهایی تجهیزات مورد نظر در آلمان صورت نگرفته و به‌اصطلاح سلاحی ساخت آلمان به کشور عربستان صادر نمی‌شود، ولی مشارکت در پروژه‌ها و قراردادهای تسلیحاتی با عربستان سعودی در کشور ثالث (فرانسه و انگلیس) از طریق ارسال قطعات و تجهیزات ساخت شرکت‌های آلمانی، به عقیده بسیاری نقض توافقات در قرارداد ائتلاف بزرگ مبنی بر ممنوعیت و محدودیت ارسال تجهیزات نظامی به کشورهای درگیر در جنگ یمن تلقی می‌شود. این تصمیم «شورای امنیت فدرال» به‌ویژه درخصوص قطعات مرتبط با چهار پروژه (سه سفارش از امارات متحده عربی و یک سفارش از عربستان سعودی بود) (Spiegel, 2019). حجم صادرات تسلیحات آلمان از سال ۲۰۱۵ روندی نزولی داشته است (سال ۲۰۱۸: ۴,۶؛ سال ۲۰۱۷: ۶,۲۴؛ و سال ۲۰۱۵: ۷,۸۶ میلیارد یورو)، موضوعی که مقامات آلمانی در واکنش به انتقادات درخصوص صنعت تسلیحاتی آلمان همواره بر آن تأکید می‌کنند. بخش بزرگی از کاهش صادرات تسلیحات در چارچوب «سیاست کنترل صادرات تسلیحات» مربوط به صادرات به کشورهای خارج از اتحادیه اروپا و ناتو بوده است.



طبق «ارزیابی کارشناسی صلح»<sup>۱</sup> که سالیانه به صورت مشترک چهار مؤسسه اصلی تحقیقات صلح در آلمان (مرکز بین‌المللی تبدیل در بن<sup>۲</sup>، مؤسسه لایبنیتس بنیاد تحقیقات مناقشه و صلح در هسن<sup>۳</sup>، مؤسسه تحقیقات صلح و سیاست‌های امنیتی در دانشگاه هامبورگ<sup>۴</sup> و مؤسسه توسعه و صلح<sup>۵</sup>) تهیه و منتشر می‌کنند، دولت فدرال آلمان در سال ۲۰۱۹ مجوز صادرات تسلیحات به ارزش بیش از ۸ میلیارد یورو را صادر کرده است. این یک رکورد جدید است. ارزش مجوزهای صادر شده برای صادرات تسلیحات در سال ۲۰۱۸ معادل ۴/۸ میلیارد یورو بوده است. این صادرات به ۱۲۹ کشور جهان صورت گرفته است که نیمی از آنها را کشورهای ثالث (خارج از اتحادیه اروپا و ناتو) تشکیل می‌دهند.

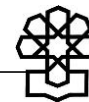
در اکثر عملیات‌های برون‌مرزی نیروهای ارتش آلمان ذکر شده در جدول ۱ سلاح‌های آلمانی نقش ایفا می‌کنند. در سال‌ها و ماه‌های گذشته تصاویری از سلاح‌های آلمانی در دستان نیروهای داعش که احتمالاً به صورت غیرمستقیم در نبرد با کردها و نیروهای غربی به دست آنها افتاده است، و یا استفاده عربستان و ترکیه از این سلاح‌ها، تانک‌ها و جنگنده‌ها به ترتیب علیه مواضع در شمال سوریه و یمن رسواکننده سیاست‌های دوگانه آلمان در سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی بوده‌اند. اخیراً ردپای سلاح‌های آلمانی در بحران کنونی لیبی به رغم تحریم تسلیحاتی این کشور و اینکه آلمان پس از برگزاری «کنفرانس لیبی» خود را به عنوان یکی از کنشگرهای اصلی بحران لیبی در جلوگیری از قاچاق و یا ارسال سلاح به این کشور معرفی کرد، مورد انتقاد شدید محافل مختلف سیاسی و رسانه‌ای بوده است. این در حالی است که «وزارت اقتصاد و انرژی آلمان» که متولی صدور مجوز صادرات تسلیحات است، در وبسایت خود ضمن اشاره به شعارهایی همچون «پیشبرد سیاست صادرات تسلیحات به شکلی مسئولانه و همراه با خویشتن‌داری!» و یا «صادرات تسلیحات وسیله‌ای برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نیست و در عین حال صادراتی متفاوت از دیگر کالاهاست»، صراحتاً عنوان می‌شود که: «... دولت فدرال توجه ویژه‌ای به این امر دارد که تسلیحات صادراتی برای نقض حقوق بشر مورد سوء استفاده قرار نگرفته و به شدت گرفتن بحران‌ها کمک نکنند؟»

نکته پایانی در این خصوص آنکه به نظر می‌رسد قبح صادرات تسلیحات هرچند به قیمت جان غیرنظامیان و بی‌گناهان در سراسر جهان در میان افکار عمومی به ویژه در نسل جوان نیز تا حدی ریخته شده است. ۵۷ درصد جوان‌ترها موافق صادرات تسلیحات تحت شرایطی هستند. در مقابل، ۵۵/۲ درصد از آلمانی‌های مسن‌تر خواهان محدود شدن و حتی توقف صادرات تسلیحات هستند. نتایج این نظرسنجی‌ها هنوز رسمی منتشر نشده و بخشی از آنها در اختیار روزنامه «ولت آم زونتگ» قرار دارد.

1. Friedensgutachten
2. BICC
3. HSFK
4. IFSH
5. INEF

## جمع‌بندی

اگرچه آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به‌تازگی از بحران امنیتی ناشی از مهاجران از خاورمیانه به‌ویژه در سال‌های پس از ۲۰۱۵ و سیل مهاجران از شمال آفریقا در دو سال اخیر، تاحدی رهایی یافتند، موضوع امنیت اکنون در سطحی بالاتر و با ماهیتی متفاوت، اکنون در چالش روابط فرآتلانتیکی تحلیل و بررسی می‌شود. چالش امنیتی و دفاعی آلمان و اروپا در حال حاضر در بی‌ثباتی حاصل از دوران گذار از نظم تک‌قطبی متکی بر قدرت آمریکا و ظهور قدرت‌های نوظهور همچون جمهوری خلق چین، با مواضع و رویکردهای ایالات متحده آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ، رنگ و بوی حساس‌تری به خود گرفته است. اگر در ابتدای به قدرت رسیدن ترامپ، مباحث امنیتی و دفاعی به بودجه ناتو و بحث سهم ۲ درصدی بودجه این نهاد نظامی امنیتی محدود می‌شد، اکنون این بحث در سطحی راهبردی در خصوص بازنگری درخصوص شکل، ماهیت و کارکرد ناتو برای اروپا (مرگ مغزی ناتو از سوی امانوئل ماکرون) شکل گرفته است. در این اثنا، پیشنهاد ایجاد «ارتش اروپایی» در راستای تعریف دکترین جدید نظامی اروپا، مستقل از ایالات متحده آمریکا بار دیگر موضوع بحث محافل سیاسی و رسانه‌ای قرار گرفته است. اولین جرقه‌های تشکیل «ارتش اروپایی» پس از نفوذ روسیه در اوکراین و جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ زده شد. درست در همان سالی که گفتمان موسوم به «مسئولیت بیشتر» در آلمان شکل گرفت. اما خروج قریب‌به‌یقین بریتانیا از اتحادیه اروپا پس از همه‌پرسی سال ۲۰۱۶ به روند رو به رشد «سیاست مشترک دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا» سرعت بخشید. توافق کشورهای اتحادیه اروپا (به‌جز مالت و دانمارک) بر سر «همکاری‌های سازمان‌یافته مستمر» (پسکو) در ۲۰۱۷ و ایجاد «صندوق دفاعی» ۱۳ میلیارد یورویی برای سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۷ و همچنین تبادل گزارش‌های دفاعی برای هماهنگی بیشتر به‌ویژه در تبادل تسلیحات و ساخت سلاح‌های مشترک در قالب برنامه «کارد» گام‌های مهم در راستای این سیاست و درواقع سه ستون اصلی «اتحادیه سیاست‌های دفاعی و امنیتی» بودند. نگاهی به سیاست‌های آلمان در بودجه‌های نظامی و یا آمار نیروهای بوندس‌ور، که در گزارش بدان اشاره شد، نیز گواه این مسئله است که سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ را می‌توان ورود به دوران جدیدی از سیاست خارجی آلمان تلقی کرد که در آن مسائل نظامی و «قدرت سخت» بار دیگر جایگاه ویژه و روبه‌رشدی می‌یابند. اما این چالش‌های روابط فرآتلانتیک پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ هستند که توجه فزاینده آلمان به «سیاست‌های مشترک امنیتی و دفاعی» را توجیه‌پذیرتر کردند. البته نقش فرانسه به‌عنوان قدرت بلامنازع سیاسی و نظامی در اتحادیه اروپا در روند رو به رشد رویکردهای نظامی - دفاعی آلمان به‌ویژه پس از خروج بریتانیا و به قدرت رسیدن امانوئل ماکرون با اهداف جاه‌طلبانه‌اش انکارناپذیر است. فرانسه از همان ابتدای ریاست جمهوری ماکرون با پیشنهادهایی بر مبنای سیاست استقلال و کاهش



وابستگی امنیتی و دفاعی، آلمان را بیش‌ازپیش در منگنه روابط فرآتلانتیک از یکسو و مقاومت‌های سیاست داخلی ازسوی دیگر قرار داد. این پیشنهادها از تقویت تولید محصولات مشترک تسلیحاتی و همکاری بیشتر نظامی آغاز شد که ملاقات‌های دوجانبه‌ای را در این زمینه در پی داشت. مرکل در مصاحبه‌ای با زوددویچه تسایتونگ پس از یکی از این ملاقات‌ها اظهار داشت که «تصمیم گرفتیم با یکدیگر جنگنده و تانک بسازیم. این یک تمجید متقابل و نشانه‌ای از اعتماد است که در زمینه سیاست دفاعی به یکدیگر تکیه می‌کنیم». برای امانوئل ماکرون نیز همکاری با آلمان در زمینه دفاعی در مرکز «چشم‌انداز اروپایی» برای تشکیل «یک ارتش اروپایی واقعی» قرار دارد. از این‌رو، فرانسه در سلسله پیشنهادهای خود پا را فراتر نهاده و در هفته‌های اخیر «گفتگوهای راهبردی» در خصوص مشارکت آلمان در «چتر هسته‌ای اروپایی» به رهبری فرانسه را مطرح کرده است.

اما همچنان ایالات متحده آمریکا کماکان برای آلمان اهمیتی ویژه راهبردی دارد. پس از ماه‌ها سردی نسبی در گفتگوهای سیاسی و تجاری به‌دلیل سیاست‌های یکجانبه ترامپ، استقبال گرم آلمان از مایک پمپئو و مواضع آمریکاپسند آنها در ۳۰ امین سالگرد فروپاشی دیوار برلین در سال ۲۰۱۹ گواه همین مطلب است. البته اگرچه همواره ازسوی مقامات رسمی آلمان بر این موضوع تأکید می‌شود که «موضوع بازدارندگی هسته‌ای اروپایی نباید در تقابل با ناتو و یا چتر حمایتی ایالات متحده تفسیر شود»، اما هدف اصلی تحرکات جدید در این زمینه چیزی جز این واقعیت پنهان نیست که اروپا در درازمدت به‌دنبال استقلال از ایالات متحده است. نباید از نظر دور داشت که تقلای هسته‌ای اروپا همچنین در پی رنگ باختن برخی قراردادهای تسلیحاتی به یادگارمانده از دوران جنگ سرد همچون «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد» و یا آینده مبهم برخی دیگر همچون «نیواستارت» قابل تحلیل و بررسی است. در این زمینه می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که آلمان برای خروج از لاک محافظه‌کاری و «احتیاط» سنتی خود نسبت به امور نظامی نیازمند جلب رضایت هر دوی آمریکایی‌ها و فرانسوی‌هاست و سعی در ایجاد یک توازن در روابط امنیتی با این دو قدرت است. مجله آنالین «جامعه و سیاست بین‌الملل»، وابسته به بنیاد فریدریش اِبرت در آلمان، در یادداشتی تحت عنوان «بومرنگ هسته‌ای» بازدارندگی هسته‌ای مشترک اروپایی را اقدامی با نتیجه معکوس معرفی می‌کند و آن را مسبب وجود کشورهای هسته‌ای بیشتری در جهان می‌داند. این در حالی است که جهان عاری از سلاح هسته‌ای، حداقل در مقام سخن، یکی از خط‌مشی‌های سیاست خارجی آلمان در زمینه خلع سلاح را شکل می‌دهد و «چندجانبه‌گرایی» به‌ویژه پس از به عضویت غیردائم شورای امنیت درآمدن آلمان از ابتدای ۲۰۱۹ یکی از اهداف اصلی آلمان قرار گرفته شده است، هدفی که در طرح «اتحاد چندجانبه‌گرایان» ازسوی آلمان و دیگر کشورهای اروپایی در پاسخ به رفتارهای یکجانبه به‌ویژه ازسوی دولت کنونی آمریکا برنامه‌ریزی و باید اجرا شود. لذا می‌توان ادعا کرد که هرگونه همکاری دوجانبه در این خصوص ازسویی گفتمان شکل گرفته تحت عنوان «چندجانبه‌گرایان» را زیر سؤال می‌برد، و هم با سیاست‌های اعلانی آلمان در خصوص خلع سلاح در

تناقض قرار دارد. علاوه بر این سیاست و رویکرد متناقض آلمان در قبال دیگر کشورهای جهان نیز از این طریق نمایان می‌شود. البته سیاست‌های دوگانه آلمان، همان‌گونه که در گزارش مصداق‌هایی آورده شد، در زمینه صادرات تسلیحات به کشورهای منطقه غرب آسیا نیز قابل بحث است.

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که فهم جدید و متفاوتی از دولت فدرال به‌عنوان یک «قدرت‌شکل و نظم‌دهنده» در عرصه بین‌الملل در حال شکل‌گیری است که در آن آلمان خود را به‌عنوان یک شریک قوی‌تر برای برقراری نظم جهانی تعریف می‌کند. مجموعه اقدام‌ها و رویکردهای جدید آلمان در این راستا را می‌توان به ساختار شکنی‌هایی تعبیر کرد که از فصل جدیدی از سیاست خارجی آلمان با ابعاد تازه نظامی امنیتی خبر می‌دهند که در آن رویکردهای نظامی و «قدرت سخت» در بین سیاستمداران و افکار عمومی رشد داشته است. اتخاذ مواضع و رویکردهای جدید دولت‌مردان آلمانی را می‌توان به تابوشکنی‌هایی تعبیر کرد که از شروع فصلی جدید در دکترین نظامی آلمان خبر می‌دهد. برای مثال گفتگوهای حزبی در خصوص ایجاد «شورای امنیت ملی آلمان» و یا مداخله آلمان در تحولات سوریه برای ایجاد یک «منطقه امن بین‌المللی» در شمال شرق این کشور در سال ۲۰۱۹ نشانه‌های روشنی از این تغییر جدی و «جسارت تغییر» هستند که می‌توان از آن به‌عنوان یک «چرخش راهبردی» یاد کرد.

### پیشنهاد‌های اجرایی

۱. رونق سیاست‌های جدید دفاعی و امنیتی اروپا به‌ویژه از سال ۲۰۱۶ که در آن آلمان نقشی اساسی ایفا می‌کند، در سطح تحلیلی بین‌الملل دارای اهمیت ژئوپولیتیک است. اروپا که در سال‌های گذشته همواره بیشتر به‌عنوان یک پروژه اقتصادی تعریف می‌شد، با تدوین و اجرای سیاست‌های مشترک دفاعی و امنیتی بیش از گذشته درصدد تعریف خود به‌عنوان یک قدرت نظامی و امنیتی بزرگ در نظم جدید جهانی در کنار و نه لزوماً همراه ایالات متحده آمریکا است. این موضوع به سبب تنوع مراجع امنیتی و دشمنی آشکار آمریکا با مردم ایران، به نفع جمهوری اسلامی خواهد بود.
۲. رویکردهای جدید آلمان و مواضع مقامات و سیاستمداران این کشور به شکلی بی‌سابقه نشان‌دهنده فاصله روزافزون از امنیت متکی بر آمریکا است. مخالفت این کشور در برابر «سیاست فشار حداکثری» آمریکا علیه ایران در مسائل اقتصادی و امتناع از همراهی آمریکا در تحولات مربوط به خلیج فارس در مسائل اخیر امنیتی در غرب آسیا گواهی بر این مدعا است.
۳. زمانی که پتر اشتروک، وزیر سابق دفاع آلمان در بحبوحه جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۲ این جمله را بر زبان آورد که «از امنیت آلمان اکنون در هندوکش/افغانستان نیز دفاع می‌شود»، این اظهار نظر مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت. این درحالی است که در سال‌ها و ماه‌های اخیر جستجو برای تضمین امنیت در مناطقی بسیار فراتر از مرزها به امری طبیعی در سیاست داخلی و خارجی آلمان تبدیل شده است.



حضور و مشارکت فعال آلمان در عملیات‌های برون‌مرزی گواه این مطلب است که در واقع تعریف جدید از امنیت و تهدیدهای آن فرای مرزهای آلمان همراه بوده است. لذا، این جمله مرکل در جریان سفر به کشور مالی در سال ۲۰۱۳ که «آلمان امنیت در این منطقه را بخشی از امنیت خود تلقی می‌کند زیرا طبیعی است تروریسم در مالی و مناطق شمالی آن تنها یک تهدید در آفریقا نبود بلکه تهدیدی برای اروپاست»، را می‌توان آغاز دوران جدیدی از سیاست خارجی آلمان تلقی کرد. این در حالی است که حضور نیروهای ایرانی در همسایگی مستقیم در راستای سیاست‌های مبارزه با تروریسم و رفع تهدیدهای مستقیم آن برای جمهوری اسلامی ایران (به‌عنوان مثال در عراق و سوریه) مورد انتقاد این کشور قرار می‌گیرد. این مسئله و مسائل نظیر آن همچون صادرات تسلیحات در چارچوب نقد سیاست‌های دوگانه جمهوری فدرال آلمان قابل تحلیل و بررسی هستند.

۴. نگاهی به سیاست‌های جدید دفاعی و امنیتی اروپا نشان می‌دهد تولید مشترک تسلیحات بیش از گذشته در دستور کار کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان و فرانسه قرار خواهد گرفت. نگاهی دقیق‌تر به برنامه‌های اروپا و آلمان برای تولیدات تسلیحاتی از این جهت اهمیت دارد که بخشی از این تسلیحات به کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی و یا ترکیه فروخته شده و یا در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند.

۵. «برجام» برای آلمان ماهیتی به‌شدت امنیتی دارد. اگرچه ایران و مقابله با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران همواره یک نقطه مشترک میان آمریکا و آلمان محسوب می‌شود، اختلاف‌های این دو کشور درخصوص «برجام» درواقع خود گواهی بر فاصله‌گیری آلمان از امنیت متکی بر آمریکاست و همچنین عاملی برای تقویت روند این استقلال امنیتی. بنابراین برجام درحال حاضر به نوعی به یکی از مصادیق مهم برای اثبات رویکردهای امنیتی مستقل از آمریکا و درعین حال عاملی برای تقویت این رویکرد تبدیل شده است. این موضوع را باید مقامات جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان فعال در حوزه سیاست خارجی و مسائل امنیتی و دفاعی در مجلس شورای اسلامی و دستگاه دیپلماسی بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند و در گفتگوهای دوجانبه مطرح شود.

۶. با توجه به رویکردهای جدید آلمان مبتنی بر تقویت جایگاه سیاسی آلمان برای کنشگری سیاسی در سطح منطقه غرب آسیا یک نیاز اصلی یا مجموعه نیازهایی را دارد که این کشور را ترغیب و وادار به نقش‌آفرینی در سطح این منطقه پرآشوب کرده است تا از این رهگذر بتواند نیازهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود را برطرف کند. ازسوی دیگر، ایدئال جمهوری اسلامی ایران این است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای فرصت فعالیت و نقش‌آفرینی در سطح منطقه غرب آسیا را نیابند و امنیت منطقه در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای میسر و محقق شود.

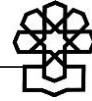
۷. آلمان در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان عضو غیردائم حضور دارد و در نیمه دوم ۲۰۲۰ ریاست دوره‌ای بر شورای اتحادیه اروپا را برعهده دارد. موضوع «خلع سلاح» و «کنترل

تسلیمات» در کنار «چندجانبه‌گرایی» از مهم‌ترین اولویت‌های این کشور هستند. این موضوع‌ها می‌توانند بیش از گذشته فرصت‌هایی برای ایجاد گفتگوهای دوجانبه سیاسی و امنیتی ایران و آلمان فراهم آورند. ۸. مجلس شورای اسلامی و به‌خصوص کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌توانند در راستای تقویت دیپلماسی پارلمانی و در قالب همکاری تنگاتنگ با دستگاه دیپلماسی کشور با ایجاد کارگروهی مشخص موضوع‌های امنیتی و دفاعی مربوط به کشور آلمان را مورد بحث و بررسی دقیق‌تری قرار داده و راه را برای گفتگوی احتمالی مناسب در این زمینه هموار کنند.

۹. از آنجاکه یکی از ساده‌ترین راه‌های تأمین نیازهای امنیتی آلمان در غرب آسیا با توجه به عدم امکانات این کشور، همکاری آن با جمهوری اسلامی ایران است این فرصت برای تأمین منافع ملی از طریق گروه دوستی پارلمانی ایران و آلمان قابل پیگیری است.

### منابع و مأخذ

1. Algieri, F. (2020). Gemeinsame Sicherheits- und Verteidigungspolitik (GSVP). In: M. Hüttmann, & H.-G. Wehling, Das Europalexikon (Vol. 3. Auflage, S. 20). Bonn: Verlag J. H. W. Dietz Nachf.
2. Auswärtiges Amt (2020). Das Europäische Kompetenzzentrum Ziviles Krisenmanagement, unter: <https://www.auswaertigesamt.de/de/aussenpolitik/europa/aussenpolitik/-/201802>, 20.05.2020.
3. Bartels, H. P. (2020). Jahresbeicht (61), Jahresbericht (61), Unterrichtung, unter: <https://dip21.bundestag.de/dip21/btd/19/165/1916500.pdf>, 11.04.2020.
4. BMVG. (2018). Bundesministerium der Verteidigung. unter: <https://www.bmvg.de/de/aktuelles/neues-faehigkeitsprofil-der-bundeswehr-27550>, 08.03.2020.
5. Bundeswehr (2020): Einsätze und Missionen der Bundeswehr, unter: [www.bundeswehr.de](http://www.bundeswehr.de).
6. Fischer, E., Hanke, T., & Riedel, D. (2019). Die europäische Armee wird konkret. Handelsblatt, unter: <https://www.handelsblatt.com/politik/deutschland/verteidigungspolitik-die-europaeische-armee-wird-konkret/>, 08.06.2020.
7. Gabriel, S. (2020). Die SPD verspielt das Vertrauen in ihre Regierungsfähigkeit, unter: <https://www.tagesspiegel.de/politik/sigmar-gabriel-zur-debatte-ueber-die-nukleare-teilhabe-die-spd-verspielt-das-vertrauen-in-ihre-regierungsfahigkeit/25813798.html>, 04.05.2020.
8. Glatz, R., & Zapfe, M. (2017). Das Rahmennationenkonzept der Nato, In: CSS Analysen zur Sicherheitspolitik Nr. 218.
9. Glatz, R., Major, C., Richter, W., & Schneider, J. (2020, Juni). Abschreckung und nukleare Teilhabe. SWP-Aktuell, 48, 1.
10. Kaim, M., & Kempin, R. (2020). Neue Zürische Zeitung, unter: <https://www.nzz.ch/meinung/nicht-geld-allein-europaeische-verteidigung-in-corona-zeiten-ld.1556524> abgerufen am 02.03.2020.
11. Kaim, M., & Linnenkamp, H. (2016). Das neue Weißbuch – Impulsgeber



- sicherheitspolitischer Verständigung, SWP-Aktuell, 65, 1.
12. Klimm, L., & Krügger, P. A. (2020, Feb. 7). Macron drängt zum Dialog über atomare Abschreckung, In: Süddeutsche Zeitung, unter: <https://www.sueddeutsche.de/politik/macron-atomwaffen-1.4788943>, 06.04.2020.
  13. Körber Stiftung. (2019). Deutsche hinterfragen westliche Staaten- und Wertegemeinschaft: Nur knappe Mehrheit befürwortet Zugehörigkeit. Umfrage der Köber Stiftung.
  14. Kourtakos, P. (2013). The EU Common Security and Defence Policy. Oxford: Oxford University Press.
  15. Kramp-Karrenbauer, A. (2019). Interview bei Deutschlandfunk, unter: [https://www.deutschlandfunk.de/cdu-chefin-kramp-karrenbauer-man-haette-maassen-frueher.868.de.html?dram:article\\_id=457135](https://www.deutschlandfunk.de/cdu-chefin-kramp-karrenbauer-man-haette-maassen-frueher.868.de.html?dram:article_id=457135), 09.03.2020.
  16. Lohmann, A., & Major, C. (2017). Die stille Revolution in Europas Verteidigungspolitik, In: Handelsblatt, unter: <https://www.handelsblatt.com/politik/international/europaeische-union-die-stille-revolution-in-europas-verteidigungspolitik/>, 03.03.2020.
  17. Lopes da Silva, D. (2020). Responsible Statescraft. Global military expenditure sees largest annual increase in a decade, unter: <https://responsiblestatecraft.org/>, 02.02.2020.
  18. Maas, H. (2018). Maas plant Allianz der liberalen Demokratien, unter: <https://www.faz.net/aktuell/politik/inland/heiko-maas-plant-allianz-der-liberalen-demokratien-15757822.html>, 03.03.2020.
  19. Maas, H. (2019, 11 10). Wir wollen und brauchen die Nato, Spiegel, unter: <https://www.spiegel.de/politik/deutschland/heiko-maas-sicherheit-fuer-europa-gastbeitrag-des-bundesaussenministers-a-1295735.html>, 02.05.2020.
  20. Macron, E. (2017). Initiative pour l'Europe - Discours d'Emmanuel Macron pour une Europe souveraine, unie, démocratique. unter: <https://www.elysee.fr/>, 04.03.2020.
  21. Major, C., & Mölling, C. (2020, 05 08). Ausstieg geht anders, bei Spiegel, unter: <https://www.spiegel.de/politik/deutschland/atomwaffen-ausstieg-geht-anders>, 03.05.2020.
  22. Mutschler, M. (2020). DW Interview. Germany Military Budget. Bonn International Center for Conversion.
  23. Schlee, R. (2020). Mut zum Wechsel. Internationale Politik und Gesellschaft (IPG).
  24. SIPRI. (2019). Global Military Expenditure Sees Largest Annual Increase in a Decade, Annual Report 2019, Stockholm International Peace Research Institute, Unter: [www.sipri.org](http://www.sipri.org).
  25. Spiegel (2019). Regierung Genehmigte Verkauf von Rüstungsgütern an Jemen-Kriegsallianz, unter: <https://www.spiegel.de/politik/>, abgerufen am: 04.05.2020.
  26. Vogel, D., & Schulz, R. (2020). Zur Diskussion über eine 28. Armee für die EU. SWP-Aktuell, 1.
  27. Wikipedia (2020). Future Combat Air System.
  28. Zeit (2018). Deutsche Rüstungsexporte Deutlich Gesunken, Unter: Hyperlink "<https://www.zeit.de/wirtschaft/2018-12/waffenindustrie-rueckgang-deutsche-ruestungsexporte-abnehmer-saudi-arabien>" <https://www.zeit.de/wirtschaft/2018-12/waffenindustrie-rueckgang-deutsche-ruestungsexporte-abnehmer-saudi-arabien> , 09.05.2020.



شماره مسلسل: ۱۷۲۷۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سیاست‌های امنیتی و دفاعی آلمان چرخش راهبردی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه دفاعی - امنیتی)

تهیه و تدوین: مصطفی مالکی

ناظران علمی: علیرضا کوهکن، جلیل محبی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. آلمان
۲. نظامی‌گری
۳. امنیت
۴. ارتش اروپایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۹/۱۰